

تبلیغات: "ساختن کشوری مستقل و آباد" عمل: ویرانگری و تالان

هم فکرانش متوجه ساختن جامعه‌ای مستقل و آزاد بوده‌اند ذکر کنیم: روزنامه‌های ۲۲ آبان "تسهیلات تازه دولت برای پرداخت ارز و حمل و نقل کالاهای وارداتی" را اعلام کردند. روز بعد خبر داده شد که "خرید برنج، روغن، چای، شکر، گوشت و گندم از این پس بدون محدودیت ارزی انجام می‌شود." چکیده این تصمیمات چه به صورت تخصیص ارز "نامحدود" برای خرید کالاهای چه به صورت کاستن از چم و خم‌های بوروکراتیک دستگاه جمهوری اسلامی، متوجه چیزی جز سرعت و وسعت بخشیدن به ورود کالاهای به کشور نبود؛ کمابینه همان موقع اعلام شد: "نیم میلیارد دلار کالای ظرف روزهای اخیر از گمرک ترخیص شد." البته از آنجا که "ساختن جامعه مستقل و آباد بدون کار تولیدی میسر نیست" و به علاوه چنین بقیه در صفحه ۳

مراسم نماز جمعه ۲۶ آبان، فرصتی بود برای رفسنجانی تا بار دیگر کلیاتی را در مورد "برنامه‌هایش" به مردم تحویل دهد. گذشت چند ماه از ریاست جمهوری او و بنابراین "درس آموزی" از این تجربه چندماهه در امر جمهوری و دولت داری، به او این امکان را هم داد که هر جا لازم می‌دانست بر وجوهی از برنامه‌اش تأکید کند و وجوه دیگری را ابداع یا وارد او در این سخنان گفت که رسیدگی به مسایل اقتصادی در رأس برنامه‌های دولت است و در همین ارتباط تصریح کرد که ساختن یک جامعه مستقل و آباد بدون کار تولیدی میسر نیست. ببینیم برنامه رفسنجانی به چه نحو و تا چه میزان در جهت و خدمت ساختن یک جامعه مستقل و آباد است. بدنیست ابتدا تصمیمات هیات دولت در زمینه مسایل اقتصادی را که در خلال دو هفته اخیر اعلام شده‌اند و برهم رفسنجانی و

اکثریت

نشریه سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در خارج ایران

دوشنبه ۶ آذر ۱۳۶۸ برابر با ۲۷ نوامبر ۱۹۸۹

ماه ۶۰ ریال سال ششم شماره ۲۸۴

افشای رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی در مجامع بین المللی

کشتار و شکنجه انسانها و نقض حقوق بشر همواره فصلی مهم از کارنامه سیاه جمهوری اسلامی در چند سال گذشته بوده است. اخیراً گزارش مفصلی از طرف سازمان ملل با استناد به گزارشات و شهادت ۲۲ تن از زندانیان سابق رژیم تهیه و منتشر گردیده است که گوشه‌ای از جنایت‌های بی‌شمار سرکردگان رژیم جمهوری اسلامی را بازگو میکند. در نشست که از طرف سازمان ملل در این مورد ترتیب داده شد، هریک از شاهدان به مدت ۵ دقیقه پرده از وحشیگری حکام شرع و زندانبانان رژیم برداشتند. همچنین جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران (برلین غربی) با انتشار اسامی تعدادی از زنانی که سال گذشته در زندان‌های جمهوری اسلامی اعدام شده‌اند، در فصل نامه پائیز ۱۳۶۸ خود نسبت به خطر اعدام زندانیان سیاسی زن هشدار داد. در این فصل نامه اسامی تعدادی از زنان که خطر مرگ جانشان را تهدید میکند ذکر شده است. پرنسور گالیندوپل گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد گزارش خود درباره نقض حقوق بشر در بقیه در صفحه ۶

گسترش اعتراضات دانشجویی در دانشگاه‌ها

طریق از گسترش موج اعتصاب و اعتراض به دیگر دانشگاه‌های کشور جلوگیری نماید. بوسیله همین مسئولین اعلام شد که چندین و چند خوابگاه دانشجویی در دست ساختمان است و ۶۰۰ میلیون تومان وام بانکی بمنظور خریداری یک تا دو خوابگاه برای هر دانشگاه اختصاص یافته است. هلیرفم و هدهای مسئولین آموزشی کشور در گسترش خوابگاههای دانشجویی و مصوبه مجلس آخوندی که قانون "عدم تخلیه خوابگاههای دانشجویی تا پنج سال" را اعلام می‌داشت آنچه که جریان داشت و دارد این است که صاحبان املاکی که ملکشان روزی مصادره شده و یا بواسطه "قانون شناسائی اماکن خالی" که طبق مصوبه مجلس به ملک استیجاری دولت درآمده بودند و بخشی از آنها بصورت خوابگاههای دانشجویی مورد استفاده قرار گرفته بود با تضمین‌های داده شده حکومت بقیه در صفحه ۲

بدنبال اعتراضات و اعتصاب دانشجویان دانشگاه پلی تکنیک و صنعتی شریف در نیمه دوم مهرماه امسال، بار دیگر دانشگاههای تهران و شهرهای بزرگ کشور در تب و تاب اعتراضات دانشجویی قرار گرفته است. در نتیجه شکل گیری این اعتراضات و زیر فشار دانشجویان مقامات مختلف حکومتی به سیاق معمول شروع به دادن وعده و وعید برای نرو نشان دادن اعتراضات کردند. در همین رابطه مسئولین آموزشی کشور در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های مختلف به طرح مواهید دولت در زمینه تأمین رفاه دانشجویان و در اختیار قرار دادن خدمات آموزشی و ایجاد تسهیلات در زمینه‌های مختلف پرداختند. مجلس آخوندی هم که انتظار شکل گیری اعتراض در محیطهای دانشگاهی را نداشت بلافاصله بعد از جریان اعتصاب دانشجویان دانشگاه پلی تکنیک و صنعتی شریف حکم به عدم تخلیه خوابگاههای دانشجویی داد تا از این

دور جدیدی از کشمکش‌ها و بندها

گرفته شده بود و وظایف و نقش‌های واحدی هم از آن دو طلب می‌شد. با این وجود روند همومی مناسبات دوجناح حکومتی در حاکمیت پس از مرگ خمینی و این واقعیت که زمانی در متن این مناسبات، پست ریاست مجلس به احمد خمینی پیشنهاد شد و او آنرا پذیرفت از یک طرف، و تصمیمات مجلس در روز ۲۱ آبان - یعنی تنها یک روز قبل از انتصاب مذکور - از طرف دیگر، گویای آنند که این انتصاب حلقه‌ای از سلسله امتیازاتی است که جناح حزب اللهی افراطی حکومت در مراحل اخیر کشمکش میان دوجناح نصیب خود کرده است. در جلسه روز ۲۱ آبان مجلس طرح قانونی "نحوه اجرای اصل هشتم و پنجم و یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری بقیه در صفحه ۶

چنانکه در نشریه "اکثریت" شماره پیش خبر داریم، خامنه‌ای روز ۲۲ آبان طی حکمی سیداحمد خمینی و شیخ حسن روحانی را به نمایندگی خود به مدت سه سال در "شورای عالی امنیت ملی" منصوب کرد. انتصاب سیداحمد خمینی به این سمت، بعنوان اقدامی منفرد مفهوم، روشنی نداشت. این اقدامی بود که ضمن اینکه "تفویض یک مکان ویژه به جناح حزب اللهی افراطی حکومت محسوب می‌شود، می‌توانست تقلیل نقش و وزن "یادگار امام" در حد دیگر اعضا، شورای عالی امنیت ملی که ریاست آن با هاشمی رفسنجانی است نیز ارزیابی شود". خاصه متن احکام خامنه‌ای به احمد خمینی و حسن روحانی این ارزیابی را تقویت می‌کرد. در متن دو حکم مذکور خطاب به دو تن کلمات و لحن واحدی بکار

در این شماره

- * شورای نگهبان بار دیگر "قانون کار" را اصلاحی کرد در صفحه ۶
- * دشمنی با خورشید در صفحه ۱۲
- * "گل رنج" فرو فرود در صفحه ۷
- * ستمای ناخوش آیند یک بوروکراتیکم یوسیده در صفحه ۱۲
- * تحولات پیرامونه وزرف در جکسلواکی در صفحه ۱۲

گسترش

اعتراضات دانشجویی

در دانشگاه‌ها

بقیه از صفحه اول

گرفتن املاک خود نمودند و یا پس از ادعای میزان اجاره بیشتر بر طبق حکم دادگاه‌های اسلامی به تخلیه آنها مبادرت ورزیدند که یک نمونه آن تخلیه خوابگاه دانشجویان دختر دانشگاه تربیت معلم بود که منجر به آوارگی نزدیک به ۱۷۵ دانشجوی دختر این دانشگاه شد.

بر زمینه مشکلات فوق و پوچ بودن وعده‌های مسئولین رژیم و بر پایه جو شکل گرفته در دانشگاه‌های کشور که سابقا به علت وجود دلایل معین بطور بسیار ضعیفی حمل می‌نمود حرکات دانشجویی در طول ماه اخیر تداوم یافت و منجر به رسوائی بیشتر رژیم شد.

در تداوم حرکات دانشجویی در سال تحصیلی جدید که برانگیخته شده از وجود مسائل و مشکلات صنفی دانشجویی و جو سیاسی شکل گرفته بر محیط دانشگاه‌ها می‌باشد، عده‌ای از دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر نیز به علت کمبود خوابگاه در روز یکشنبه ۱۴ آبان ماه دست به تصرف یک ساختمان در خیابان فلسطین متعلق به ستاد بسیج مستضعفین زدند. بدنبال حادثه فوق رژیم سراسیمه به بسیج ارگان‌های سرکوبگر خود پرداخت و ضمن درگیری با دانشجویان به ضرب و شتم و دستگیری آنان پرداخت.

مقامات رژیم که بعد از تصفیه در محیط‌های دانشگاهی در جریان "انقلاب فرهنگی" و اخراج، دستگیری و کشتار هزاران دانشجوی مبارز و انقلابی در طول سال‌های اخیر و اعلام "وحدت حوزه و دانشگاه" و بزعم خود تبدیل دانشگاه‌های کشور به "دانشگاه‌های اسلامی" نسبت به رویداد اخیر گیج و وامانده شده بودند درصدد برآمدند که تصرف ساختمان بسیج را به هوامل ضد انقلاب و یا تحریک شده توسط آنان نسبت دهند.

بعد از پخش خبر درگیری دانشجویان با مقامات امنیتی و انتظامی رژیم، رحمانی مسئول واحد بسیج مستضعفین سپاه پاسداران در واکنش به این خبر اعلام کرد: "در ساعات غیراداری و زمانی که خواهران بسیج به علت نزدیکی هفته بسیج مشغول برنامه ریزی و تهیه مقدمات برگزاری این روز بودند، عده‌ای از دانشجویان دانشگاه امیرکبیر به این ساختمان هجوم آورده و قصد تصرف آنجا را داشتند که خواهران مستقر در آن، از ورود آنها جلوگیری بعمل آوردند. عده‌ای از دانشجویان با دیدن خواهران بسیجی محل را ترک کردند اما گروهی از آنها بدون توجه به

هشدارها وارد ساختمان شده و اقدام به شکستن درها می‌کنند که به نیروهای انتظامی اطلاع داده می‌شود و آنها مداخله کرده و متصرفین را از ساختمان بیرون می‌کنند."

نامبرده در ادامه سخنانش افزود: "متأسفانه با پیگیری که داشتیم معلوم شد که در بین دانشجویان عده‌ای دارای خوابگاه بوده‌اند و برخی از آنها نیز فارغ التحصیل بوده و اصلا نیازی به خوابگاه ندارند."

"رحمانی" در مصاحبه خود در همین زمینه به دانشجویان هشدار داد که: "مراقب باشند خدای نکرده عناصری با افراض سیاسی از صداقت و سلامت دانشجویانی که همیشه از سنگر داران انقلاب اسلامی در برابر عناصر ضد انقلاب بوده‌اند سوء استفاده نکنند."

درگیری‌های درون حکومت در زمان حیات خمینی که منجر به حذف منتظری از جانشینی وی گردید باعث شکل‌گیری اعتراضات نسبتاً گسترده‌ای در محافل حکومتی و نیروهای وابسته به آنان در محیط‌های دانشگاهی شد بطوریکه منجر به انتشار هلی یک بیانیه اعتراضی در منزل منتظری از سوی دفتر تحکیم وحدت در دانشگاه‌ها شد.

بدنبال انتشار نامه فوق، اعضای سابق دفتر تحکیم وحدت حذف و به جای آنان عناصر جدیدی به کار گمارده شدند. این رویداد نمی‌توانست در دانشگاه‌های کشور در جبهه‌بندی‌های درون انجمن‌های اسلامی تأثیر نگذارد و به شدت‌گیری اختلافات در میان آنها نایانجامد.

با قدرت‌گیری باند رفسنجانی - خامنه‌ای و حذف مهره‌های جناح "تندرو" در حکومت که وی نیز دارای نفوذ معینی در میان دانشجویان وابسته به انجمن‌های اسلامی دانشگاه‌ها و خصوصا "دانشجویان پیرو خط امام" می‌باشد، این نیرو نیز که در گذشته هماهنگ با دیگر نیروهای هوادار حکومت در موافقت با عزل منتظری حمل کرده بود به جبهه مخالف رانده شد.

در نتیجه همین روندهای کشاکش در درون حکومت و بازتاب آن در محافل وابسته به آن، این روندها در دانشگاه‌ها بصورت شکل‌گیری اختلافات شدید در انجمن‌های اسلامی و دور شدن بسیاری از نیروهای این جریان از باند حاکم خود نشان داد. تحت شکل‌گیری ملاحظات فوق فضای نسبتاً بازتری برای طرح انتقادات و مشکلات و ابراز ناراضی در دانشگاه‌ها بوجود آمد. این موضوع برای اولین بار در دانشگاه‌ها تحت بوجود آمدن "ستون‌های آزاد" در تابلوهای اعلانات دانشگاه‌ها خود نشان داد.

سیر فزاینده رویگردانی مردم از حکومت نیز بازتاب خود را در جریان‌ات اخیر نشان داد. شکل‌گیری موج ناراضی حتی در

خانواده‌های شهدا و اسیران جنگی که رژیم آنها را یکی از پایه‌های اجتماعی قدرت خود محسوب می‌نمود نمی‌توانست در شکل‌گیری فضای موجود در بین دانشجویان که بسیاری از آنان از افراد وابسته به این خانواده‌ها می‌باشند، بی‌تأثیر باشد.

وی در برخورد با همین افراد با کینه‌ای حیوانی افزود: "توجه تضائیه بدون کوچکترین افماضی با آنهاست که در ناامن کردن جامعه اسلامی و ایجاد هرج و مرج تحت هر بهانه‌ای تلاش می‌کنند برخورد قاطعانه نماید."

"رنجبر" در اینجا دیگر تنها با مسئله دانشگاه و اعتراض شکل گرفته کاری ندارد بلکه به مجموعه عملکرد جناح مقابل اعتراض دارد و خواهان سرکوب قاطعانه آن است. سخنان "هلی رضا فرزند"

نماینده تخت در دفاع از جناح خود و برای مقابله با تهاجمات جناح وابسته به باند رفسنجانی - خامنه‌ای نیز کاملاً روشنگر موضوع است. وی در سخنان روز چهارشنبه ۱۷ آبان در جلسه هلی مجلس گفت: "در روزهای گذشته در دانشگاه امیرکبیر واقعه‌ای پیش‌آمد که جای تأمل و تاسف بسیار است. نیاز گروهی از دانشجویان به محلی برای اسکان و اینکه مدتها در سرگردانی و بی‌خانمانی می‌گذراندند و در یک مورد بیش از هفتاد دانشجو در زیرزمین ساختمانی اسکان داده شده بودند منجر به تصرف غیرقانونی ساختمان ستاد جذب و هدایت کمک‌های مردمی متعلق به بسیج مستضعفان به تصور پایان کار این ستاد شد که خود آنها نیز معترف به ناخواسته بودن و اشتباه در انجام امر شدند. اما یک سؤال باقی است و آن اینکه چرا در شرایطی که دانشجویان حتی یک اتاق ۱۲ متری برای اسکان ۴ تا ۷ نفر ندارند آپارتمان‌ها و اماکن زیادی متعلق به مالکان و بعضی سرمایه‌داران خائن و شکمبار و گاهی دستگاه‌ها و ارگانها و نهادهای در شهر وجود داشته باشد که از آن‌ها استفاده بجاو کافی نمی‌شود. در شرایطی که کمبود خوابگاه دانشجویی رو بر مستقیم که اجری حتی بخشی از اصل ۴۹ قانون اساسی می‌توانست شکل را برطرف سازد....

در پی تصرف ساختمان موصوف، نیروهای انتظامی با روشی بسیار غیراصولی و دوراز شأن نظام و انقلاب اقدام به تخلیه دانشجویان می‌کنند که قطعاً نمایندگان مردم در جریان ضرب و شتم‌هایی که نسبت به دانشجویان صورت گرفته هستند و ما از آنجائی که این رویه و این نحوه برخورد را دور از شأن این نظام و دولت و این مجلس و انقلاب می‌دانیم با آن مخالفیم."

بعد از این سخنان خودافشاگرانه حکومتی پیرامون حادثه اخیر و در نتیجه واکنشهایی که در جامعه و محافل حکومتی پیرامون این

بندانگشتی این نمایندگان حکومتی پیرامون حادثه اخیر و در نتیجه واکنشهایی که در جامعه و محافل حکومتی پیرامون این

مسئله صورت گرفت و بدلیل ترس از گسترش هرچه بیشتر این واکنشها بود که "کروبی" رئیس مجلس فقها از افشای این مسائل از تریبون مجلس هراسان شده و خواهان توقف پخش این سخنان از تریبون مجلس شد.

"کروبی" برای آنکه نقش واسطه را بازی کرده باشد و هم‌اینکه ماهیت قضیه را لوث کند افزود: "اول این نکته را عرض کنم همانطور که آقای فرزند فرمودند مطلب دو طرف دارد. بسیج، کمیته، دانشجو و روحانی قداست دارند. این‌ها همه یاران انقلاب‌اند. هرکس هم تخلف کرد طبعاً با آن برخورد می‌شود و همه باید تابع مقررات و قوانین باشند. برخوردی که در آنجا شده هیچکس صحه نمی‌گذارد، اما ورود دانشجویان و تصرف یک ساختمانی که خواهران بسیجی در آن کار می‌کنند هم یک کار فلتی است. دیگر اینکه این مسائل در تریبون مجلس مطرح نشود و بدون جهت یک طرف را تشجیع نکنند برای اینکه یک‌دفعه یک حرکتی بکنند که آن حرکت هم باز ضرر دارد و وقتی که می‌خواهید بگوئید بیایید عادلانه هر دو طرف قضیه را بگوئید. من با صراحت می‌گویم هم با صحبت‌های آقای رنجبر مخالفم و هم با صحبت‌های آقای فرزند مخالفم."

جو سیاسی شکل گرفته در دانشگاه‌ها که به شکل بارزی تناسب نیروها در این محیط بر علیه باند حاکم تغییر داده است چیزی نیست که "کروبی" و دیگر نمایندگان حکومتی قادر باشند آنرا کتمان کنند.

در پرتو واقعیت موجود، فضای در محیط دانشگاهی شکل گرفته است که دانشجویان قادر شده‌اند به طرح مسائل و مشکلات صنفی خود بپردازند.

اعتراضات شکل گرفته در دانشگاه‌ها در کنار اعتراضات اخیر مردم در میدان قله و مولوی تهران در پرتو واقعیات سیاسی جامعه سلسله جنبان حرکت‌های اعتراضی هم در محیط‌های دانشجویی و هم در محیط‌های کار و زندگی می‌باشد و رژیم نیز قادر به جلوگیری از تکرار آن‌ها نیست.

آنچه که باید در این میان مورد توجه نیروهای مبارز و انقلابی در دانشگاه‌ها قرار گیرد استفاده هرچه بیشتر از شرایط شکل گرفته موجود می‌باشد. آنان باید بتوانند به پراکنده‌گی موجود میان خود پایان دهند. به گسترش کار سازمان‌گرا نه در محیط‌های اعتراضی بپردازند. ارتباط میان آنان را از طریق بهم پیوند دادن خواسته‌های این نیروها مستحکم سازند و پشتیبانی هرچه بیشتری را از حرکات اعتراضی بوجود آورند. در صورت پیگیری یک کار سازمان‌گرا نه و مخفی در این محیط‌ها و پیوند حرکات اعتراضی مختلف و جلب وسیع‌ترین پشتیبانی از آنها، پیروزی و تداوم مبارزات اعتراضی تأمین خواهد شد.

تبلیغات: "ساختن کشوری مستقل و آباد" عمل: ویرانگری و تالان

بقیه از صفحه اول

جامعه‌ای نمی‌تواند فقط به واردات متکی باشد و صادرات، خاصه صادرات غیر نفتی، هم باید داشته باشد، در خلال همین مدت تصمیماتی هم برای "تشویق مردم به سرمایه‌گذاری در بخش معدن" گرفته و نیز "تسهیلاتی برای ترخیص و صدور کالا" فراهم شد. اما این تصمیمات و تسهیلات از دعوت کردن از "مردم" که سرمایه‌هایشان را با خیالی آسوده در بخش معدن و صنایع وابسته به آن به کار گیرند یا از پیشنهاد افزایش سقف مجاز صادرات صنایع دستی همراه مسافران خارج کشور از پنجاه هزار ریال به یک صد هزار ریال چندان فراتر نرفتند. محصولی وزیر معادن و فلزات که "برنامه‌های وزارت معادن و فلزات برای تشویق مردم به سرمایه‌گذاری در بخش معدن" را اعلام می‌کرد گفت: "قانون جدیدی برای معادن نوشته نشده است، همین قانون معادن فعلی دست مجریان را بسیار باز گذاشته است و ۷۵ درصد مشکلاتی که بر سر راه استفاده از سرمایه‌های سرگردان هلاکتند به سرمایه‌گذاری در بهره برداری صمیم از معادن کشور وجود دارد، با قانون فعلی قابل حل است"

البته ناگفته نباید گذاشت که در هر مورد تصمیمات اصلاحی چندی نیز اخذ شده‌اند. فی‌المثل در چارچوب همان برنامه‌های وزارت معادن و فلزات "تأمین اختیارات لازم برای فعال کردن معادن در استان‌ها، به تدریج به مدیران کل تفویض می‌شود بگونه‌ای که نیاز به تصمیم‌گیری در واگذاری معادن به مردم از طریق مرکز نباشد". اما روشن است که صرفاً کاهش بعضی موانع بوروکراتیک موجود بر سر راه سرمایه از پیکره بوروکراتیسم فول آسای رژیم، سرمایه را به تکان جدی برای ورود به بخشهای تولیدی بر نخواهد انگیزخت و امکان افزایش سقف مجاز صادرات صنایع دستی همراه مسافران از پنجاه هزار به صد هزار ریال ارز چندانی را نصیب اقتصاد آخوندی نخواهد کرد. با این وجود امروزه حرکت‌های تازه‌ای در هرصه اقتصاد رژیم جمهوری

اسلامی قابل مشاهده است. نگاهی به این حرکت‌ها، کم و کیف "ساختن جامعه مستقل و آباد" مطلوب رفسنجانی را آشکار می‌کند. پیش از این ما در باره برخی از اجزاء برنامه اقتصادی رفسنجانی نوشته‌ایم اینک مطلب را از قلم Colle Ericsson (کوله اریکسن) اقتصادی نویس روزنامه سوئدی "boladet" Dag "Svenska" دنبال می‌کنیم:

نویسنده مذکور که ایران را علیرغم وضعیت دشوار اقتصادی حامل یک ظرفیت بزرگ می‌داند و درصدد یافتن فضای عمل برای سرمایه‌های سوئدی در این "ظرفیت بزرگ" است در ابتدای نوشته خود این سوال را مطرح می‌کند که آیا ایران با پای بندی به اصل "اجتناب از اعتبارات خارجی" موفق به حل مسایل اقتصادی خود خواهد شد یا نه. مقاله با مکتب بر بعضی وجوه وضعیت اقتصادی ایران به سوال فوق پاسخ منفی می‌دهد و معتقد است: "بدون صحبت کردن از استقراض خارجی، کشور در دهه ۱۹۹۰ درجا خواهد زد." باید در نظر داشت که هم اکنون هم مدتی است که ایران دیگر به "اصل اجتناب از اعتبارات خارجی" پای بند نیست. همان گونه که نویسنده خود ذکر می‌کند بدهی خارجی ایران تا پایان سال ۱۹۸۸ بالغ بر ۱/۷ میلیارد دلار بوده و اضافه بر این "اعتبار ۳۶۰ روزه از چند سال قبل یک شرط مطلق ایران بوده و پیشنهاد اعتبار ۷۲۰ روزه هرچه بیشتر هادی می‌شود."

این به چه معناست؟ این به معنای تکمیل سیاست پیش فروش است. جمهوری اسلامی از سوئی نفت یعنی تقریباً یگانه منبع ارزی کشور را پیش فروش می‌کند و از سوئی دیگر پرداخت دیون خود بابت خریدهایش را به یک سال و اخیراً به دو سال بعد موکول می‌کند. یک شرکت سوئدی حتی اعتبار سه ساله را نیز در پیشنهادهایش به جمهوری اسلامی قابل بحث می‌داند. وجه پاک؟ زیرا که در تمام این موارد، "بهای اضافی - یعنی بهره استقراض - قبلاً در پیشنهاد گنجانده می‌شود."

در حال حاضر حجم بدهی‌های جمهوری اسلامی بابت خریدهای اعتباری خود ۴ میلیارد دلار است. نویسنده مقاله ضمن تشریح نوسانات حجم معاملات بازرگانی ایران و سوئد در سالهای پس از انقلاب تاکنون، بر موقعیت مساعد امروزی شرکت‌های سوئدی برای ورود به بازار ایران انگشت می‌گذارد و به آنان گوشزد و توصیه می‌کند که می‌توانند از موقعیت سوئد، اولاً به عنوان یک کشور بی‌طرف و ثانیاً به عنوان کشوری که بر خلاف بسیاری کشورهای دیگر دارای یک سابقه امپریالیستی نبوده است، بهره جویند.

اما آیا این بهره‌وری از "ظرفیت بزرگ" ایران کمکی به رونق گرفتن کار تولیدی خواهد کرد؟ پاسخ را باز از زبان مقاله بشنویم:

"قانون ایران سهام خارجی تا میزان ۴۹ درصد در شرکت‌های مختلط را بدون اینکه تصمیم مجلس لازم باشد مجاز می‌داند. اما در حال حاضر چنین ارزیابی می‌شود که موقعیت سیاسی ایران دارای آنجهان ثباتی نیست که شرکت‌های سوئدی در موسسات تولیدی واردکار شوند."

پس حالا که موقعیت سیاسی ایران از ثبات لازم برای جذب سرمایه‌های سوئدی در امر تولید برخوردار نیست آن توصیه‌ها به سرمایه‌داران سوئدی برای چه بوده؟ جواب چنین است: "... ایران به عنوان یک بازار پیشرفته مهم ارزیابی می‌شود. طی سال گذشته این کشور نزدیک به ۲۵۰ میلیون دلار تجهیزات تلفنی وارد کرده است؛ و ارزیابی می‌شود که این نیاز در آینده شدیداً افزایش یابد. ... شرکت اریکسون امیدوار است بتواند طی دوره پنج ساله ۲ میلیارد کرون تجهیزات تلفنی به ایران صادر کند."

مخلص کلام نویسنده مذکور این که "ایران یک دوره تحول سیاسی اقتصادی پیش رو دارد و گرچه در اظهار نظر در باره پیشرفت‌های آتی باید محتاط بود اما می‌توان و باید بر سیر این تحول موثر افتاد. این تحول نیازمند اعتبارات خارجی است و بنابراین،

با توجه به موقعیت مساعد سوئد، امکان تاثیر گذاری بر آن از این زاویه بسیار وجود دارد. باید از این موقعیت سود جست و سهم هر چه بزرگتری از بازار گسترده تجارت - و نه تولید - ایران را به خود اختصاص داد. طبق این امر مستلزم نرمش‌هایی هست."

پاسخ او به این سوال هم که "چه تضمینی برای پاداش گرفتن از این نرمش‌ها، یعنی باز دریافت اعتبار و بهره مربوطه، وجود دارد، آن هم در شرایطی که ایران پول فروش‌هایش را پیشاپیش می‌گیرد و پول خریدهایش را پسپس می‌پردازد؟" صریح است: "تجربه‌های انقلاب ممکن است ترس آور باشد. - اما نباید ترسید. - علاوه بر نفت، ایران دارای معادن فنی مس، اورانیوم و فیروزه است. ... به جز معادن ذغال سنگ و آهن که استخراج از آنها از قبل صورت می‌گرفته است، قریب به ۵۰ معدن استراتژیکی و بزرگ دست نخورده مس در ایران وجود دارد."

می‌بینید، کشور "فاقد سابقه امپریالیستی" حساب معادن دست نخورده مس ایران را هم کرده است.

واقعیت این است که فلیه بر دشواری‌های اقتصاد آشفته امروز ایران ولو که توسط دولتی مرفعی و صاحب برنامه هم که باشد مناسبات با "کشورهای فاقد سابقه امپریالیستی" و حتی استقراض خارجی را ایجاد می‌کند. اما آنچه که "برنامه" رفسنجانی را از برنامه یک دولت مرفعی و صاحب برنامه، در این نکته خاص، متمایز می‌سازد این است که برنامه رفسنجانی با فقدان تدبیر برای ورود کالاهای سرمایه‌ای، یعنی با سرازیر کردن کالاهای مصرفی در کنار سایر سیاست‌های اعلام شده تاکنون، هر چه بیشتر امکانات کشور را برای حرکت به سوی استقلال و آبادی محدود و محدودتر و دست سرمایه خارجی را برای چنگ انداختن به منابع استراتژیکی رشد جامعه ما باز و بازتر می‌کند.

دیدار هیئت اقتصادی - فنی شوروی از تهران

"برنامه پنج ساله"
دولت رفسنجانی

کروبی رئیس مجلس در یک مصاحبه مطبوعاتی در امواژ اعلام کرد که "برنامه پنج ساله" با بررسی نهائی آن در کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، آماده طرح در مجلس می شود. کروبی در این مصاحبه گفت: این برنامه از جهت گوناگون بویژه پیشبرد صنعتی و فرهنگی مورد توجه قرار می گیرد و در آن اولویت ویژه ای به بخش های کشاورزی، صنعتی و بنیه دفاعی کشور داده شده است.

کروبی افزود: یکی دیگر از ویژگی های برنامه توجه به امر بازسازی است بطوریکه در خصوص امر بازسازی با اختصاص ۸۰ تا ۱۰۰ میلیارد ریال در سال، ظرف ۴ سال آینده کار بازسازی خوزستان به پایان خواهد رسید.

لازم به تذکر است و هدهو و هیدهای کروبی در امر بازسازی در حالی صورت می گیرد که نمایندگان این منطقه در مجلس که از کارگزاران و وابستگان به خود رژیم هستند بارها از تریبون مجلس دولت را بخاطر بی اعتنائی به امر بازسازی شهرها و مناطق آسیب دیده در جریان جنگ هشت ساله به باد انتقاد گرفته اند بطوریکه یکی از نمایندگان این منطقه در خصوص پیشرفت امر بازسازی در حوزه انتخابیه اش اعلام کرد که اساساً هیچ قدمی برای مرمت و بازسازی اماکن و موسسات تولیدی حوزه انتخابیه اش توسط دولت صورت نگرفته است.

سفر وزیر کشور به پاکستان

عبدالله نوری وزیر کشور حکومت روز جمعه ۲۶ آبان ماه در راس هیاتی از مسئولین سیاسی - امنیتی انتظامی و فرماندهان نیروهای انتظامی به پاکستان سفر کرد.

این سفر که بدعوت وزیر کشور پاکستان صورت گرفته، قرار بود که ۵ روز به طول بیانجامد.

در سفر نوری به پاکستان، معاونین سیاسی و امنیتی، انتظامی، مدیران کل سیاسی وزارت کشور، مسئول دبیرخانه شورای امنیت کل کشور، فرماندهان نیروهای انتظامی، استاندار و معاون سیاسی استان سیستان و بلوچستان، دو تن از نمایندگان مجلس، مشاور رئیس جمهور در امور مربوط به اهل سنت و نیز نمایندگانی از وزارت امور خارجه و دادستانی وی را همراهی کردند.

نوری و هیئت همراه در طول اقامت خود در پاکستان با "قلام اسحاق خان" رئیس جمهوری، "بی نظیر بوتو" نخست وزیر، "اهتر از احسن" وزیر کشور و دیگر مقامات پاکستانی دیدار و گفتگو کرده است.

وزیر کشور حکومت در مصاحبه با خبرگزاری دولتی بایان کلی این مطلب که میان مقامات دو کشور پیرامون "شیوه ها و روش های نگهداری اتباع بیگانه در کشورها مانند آفانه... و کنترل آنان..." بحث و تبادل نظر بعمل خواهد آمد، یکی از اهداف رژیم که همانا همکاری در سرکوب مخالفین سیاسی و فراریان از جهنم خمینی که به عنوان پناهنده در کشور پاکستان بسر می برند، را فاش کرد.

کمیته های مزبور همچنین موظف شدند پروتکل همکاری های صنعتی در کشور را آماده کنند.

در چارچوب دیدار فوق در ملاقات معاون تولید ماشین آلات وزارت صنایع سنگین شوروی با قائم مقام وزیر معادن و فلزات در امور فولاد و مدیر عامل شرکت ملی فولاد ایران، طرفین در خصوص موافقتنامه دو کشور در مورد بالابردن ظرفیت تولید کارخانه ذوب آهن اصفهان تا سقف ۴ میلیون تن گفتگو کردند.

در دیدار اخیر مقامات دو کشور پیرامون ساخت مشترک نیروگاه های حرارتی در ایران و خاورمیانه، ایجاد طرح های ریخته گری، آهنگری و ماشین های ابزار، توسعه و ایجاد صنایع موتورهای الکتریکی در ایران و نیز صدور بالغ بر دو هزار دستگاه واگن از ایران به شوروی برای سال های ۶۹ و ۷۰ تفاهم نامه هائی امضاء شد. ضمناً در تفاهم نامه اخیر مقرر شد که طرفین ظرف مدت دو ماه آینده به تعیین فهرست اقلام صادراتی و وارداتی بین دو طرف اقدام کنند.

متذکر می شود تفاهم نامه اخیر پیگیری توافقات به عمل آمده در جریان سفر رفسنجانی به شوروی باشد.

تسهیلات جدید گمرکی برای خروج کالا

خود را انجام خواهند داد و در کار یکدیگر دخالت نخواهند کرد.

شخص مذکور ضمن اشاره به آمد و شد ۳ میلیونی مسافر در سال از فرودگاه مهرآباد گفت: ما پیشنهاداتی داده ایم که بر اساس آن برخی تعویب نامه ها و مقرراتی که به هلت و قوع جنگ به اجرا گذاشته شده بود و هنوز موجود است در جهت رفاه مسافری تغییر یابد. بطور مثال در همین جهت اخیراً ۵ هزار دلار ارز بدون اظهار در گذرنامه آزاد اعلام شد.

امامی ضمن برشمردن دیگر محدودیت های خروج کالای همراه مسافر گفت: بر اساس مقررات جدید خروج سمارهای تزئینی که تاکنون ممنوع بوده آزاد اعلام شده است.

تصویب "لایحه اصلاح مقررات باز نشستگی..."

در تبصره ۱ - الف و ۱ - ب این ماده گفته می شود که مستخدمین مرد با ۵۰ سال سن و بیست و پنج سال سابقه خدمت و مستخدمین زن با ۴۵ سال سن و بیست و پنج سال سابقه خدمت می توانند با موافقت دستگاه دولتی متبوع خود باز نشسته شوند.

قانون جدید درباره حداکثر حقوق باز نشستگی اعلام می دارد که حداکثر حقوق مطابق با مصوب خرداد ماه سال ۱۳۶۱ مجلس معادل چهار سوم و حداقل آن معادل دو پنجم بالاترین رقم جدول حقوق موضوع ماده ۳۲ قانون استخدام کشوری می باشد.

در تبصره ماده فوق گفته می شود: به هیات وزیران اختیار داده می شود که در مواقع ضروری نسبت به افزایش حداقل تعیین شده در این ماده اقدام نماید.

هیئت اقتصادی - فنی شوروی به ریاست معاون وزیر ماشین سازی سنگین شوروی که روز پنجشنبه ۱۸ آبان ماه وارد تهران شده بود روز چهارشنبه اول آذرماه به دیدار خود از تهران پایان داد.

در هیئت اقتصادی - فنی شوروی علاوه بر معاون وزیر ماشین سازی سنگین این کشور، معاون وزیر صنایع ایزار سازی، معاون وزیر الکترونیک، معاون ارتباطات شوروی و جمعی از کارشناسان و متخصصین صنایع شوروی نیز عضویت داشتند.

اولین دور مذاکرات اقتصادی - فنی هیات شوروی با مسئولین وزارت صنایع سنگین جمهوری اسلامی روز شنبه ۲۰ آبان صورت گرفت و مقرر گردید مذاکرات مقامات دو کشور در چارچوب کمیته های خاصی دنبال شود.

در این مذاکرات نحوه همکاری های دو کشور در زمینه برق، انرژی، واگن سازی، توسعه کارخانجات ریخته گری، آهنگری و دستگاه های ماشین ابزار سنگین مورد بحث و گفتگو قرار گرفت و پنج کمیته تخصصی برای پیشبرد نحوه همکاری های صنعتی و فنی در این موارد بوجود آمد.

امامی مدیر کل گمرک فرودگاه مهرآباد اعلام کرد بر اساس پیشنهادات جدید گمرک ایران به دولت، گمرک خواسته است تا مقررات و محدودیت های خروج کالای هر مسافر که در گذشته بخاطر وقوع جنگ... وضع شده بود به نفع مسافرین هازم خارج از کشور تغییر یابد. بر این اساس و با توجه به قیمتی که طلا و ارز در بازار آزاد دارد پیشنهاد شده است که محدودیت خروج طلا در حد متعادل و مصرف شخصی تعدیل شود.

نامبرده در این سخنان افزود که بر پایه پیشنهادات جدید گمرک میزان ارزش صنایع دستی همراه مسافر خروجی افزایش می یابد. همچنین با توجه به مقررات جدید از این پس کلیه ارگان های مستقر در فرودگاه هر کدام وظیفه

جزئیات "لایحه اصلاح مقررات باز نشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری" با طرح در جلسات هفتگی ۱۶ و ۱۷ آبان ماه در پانزده ماده به تصویب رسید.

مطابق قانون جدید میزان حقوق باز نشستگی عبارت از معدل خالص حقوق و تفاوت تطبیق حقوق و فوق العاده شغل مستخدم در سه سال آخر اشتغال می باشد.

ماده ۲ قانون جدید پیرامون باز نشستگی مستخدمین می گوید: "باز نشستگی مستخدمین رسمی، ثابت و دارای عناوین مشابه وزارتخانه ها، موسسات، شرکت های دولتی، شهرداری ها و موسسات دولتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است با حداقل سی سال سابقه خدمت قابل قبول از لحاظ باز نشستگی طبق مقررات مربوط خواهد بود."

هیئت پارلمانی ایتالیا در تهران

هیئت پارلمانی ایتالیا که از هفته گذشته در تهران بسر می برد، روز چهارشنبه اول آذرماه بعد از یکسری ملاقات ها با مقامات مسئول ایرانی با محلوجی وزیر معادن و فلزات حکومت دیدار و گفتگو کرد.

قبل از دیدار اخیر اعضای هیئت پارلمانی ایتالیا از ایران، یک هیئت یازده نفره از مجلس اسلامی به سرپرستی واقعی رئیس کمیسیون صنایع و معادن مجلس روز پنجشنبه ۱۸ آبان ماه به منظور بازدید از کارخانجات و صنایع ایتالیا از این کشور بازدید بعمل آورده بودند.

لازم به یادآوری است که چندی پیش هدهای از نمایندگان مجلس ایتالیا و دو وزیر این کشور بیانیه ای را در محکومیت رژیم جمهوری اسلامی امضاء کرده بودند که با اعتراض وزارت خارجه حکومت اسلامی روبرو شدند بعد از آن وزارت خارجه ایتالیا اعلام نمود که این بیانیه موضع رسمی دولت ایتالیا نبوده و این کشور خواهان گسترش مناسبات اقتصادی - تجاری خود با جمهوری اسلامی میباشد.

بعد از ماجرای یاد شده توسط مقامات ایتالیائی فاش شد که ایتالیا هدهدار اجرای حدود ۱۳ درصد از پروژه های بازسازی در ایران شده است.

یادداشت تفاهم ایران و سریلانکا

"ویچه تونگه" نخست وزیر سریلانکا در اس یک هیئت بلندپایه اقتصادی این کشور بنا به دعوت حسن حبیبی معاون اول رئیس جمهوری در روز چهارشنبه هفدهم آبان ماه به تهران سفر کرد. وی بعد از دیدار با مقامات مختلف حکومت اسلامی روز یکشنبه بیست و یکم آبان به کشورش بازگشت.

قبل از بازگشت "ویچه تونگه" به کلمبو، در تهران یک یادداشت تفاهم در زمینه گسترش مناسبات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فیما بین دو کشور با امضاء رسید.

بر اساس یادداشت تفاهم اخیر، سریلانکا از ایران ۳۶۰ هزار تن نفت خام که قابل افزایش تا ۶۰۰ هزار تن خواهد بود و همچنین اتوبوس، اتومبیل سواری، سیمان، لوازم خانگی، محصولات کشاورزی و دارو خواهد خرید و جمهوری اسلامی نیز متقابلاً ۲۰ هزار تن چای، لاستیک، گرانیت طبیعی، ذرت و انواع ادویه از سریلانکا وارد خواهد کرد.

به موجب یادداشت تفاهم، سریلانکا برای اصلاح چای ایران کارشناسانی را به ایران اعزام خواهد کرد و برای ترویج کشت چای مرغوب در مزارع چای، ۱۲ هزار نهال چای مرغوب خواهد فروخت.

در تفاهم نامه اخیر همچنین اظهار می شود دو کشور در زمینه شیلات با یکدیگر همکاری خواهند کرد و کشتی های ایرانی می توانند در سواحل سریلانکا به صید ماهی بپردازند.

از میان نامه ها و گزارش ها

"از این جیب به آن جیب"

بخشی از یک نامه:

"... بعد از شنیدن قیمت کره با تعجب به فروشنده گفتم انصاف هم چیز خوبیست. گفتم گران نگفتم فقط یک دلار و چند سنت ... سوار مسافرخش شخصی شدم و برای مسیری که با تاکسی ۶ تومان می شد ۱۰ تومان طلب کرد. اعتراض کردم گفت: یک جفت لاستیک ۲۵ هزار تومان تازه کرایه ای که میدهی "ده سنت" هم نمی شود."

رنج سفر

بخشی از یک نامه:

"... برای تهیه بلیط اتوبوس بین شهری به ترمینال رفتم. در آنجا باید منتظر می شدم که اتوبوسی از راه برسد تا شرکت مربوطه بلیط آن را بفروشد. (بلیط ها پیش فروش نمی شود و تنها به شرط موجود بودن اتوبوس، بلیط فروخته می شود). در صف طولانی که بلافاصله تشکیل شد، صدها نفر همدیگر را فشار می دادند و از سرو کول هم بالا می رفتند بعد از یکی دو ساعت که صف نیم تکانی خورد، فروشنده اعلام کرد که بلیط تمام شد. من حاج و واج ماندم. ولی جای تامل نبود به صف دیگر دویدم و باز هم به صف دیگر و این کار چند روز تکرار شد. بالاخره رفتم که ته و توی قضیه را دریابم، قضیه بدین قرار بود که: از همان تعداد محدود اتوبوسی که می رسید تعداد کمی بلیط به فروش می رسید، تعدادی را برای دوستان و آشنایان و سفارشی ها نگاه می داشتند و حدود ۵ تا ۱۰ صندلی هم برای خود راننده خالی می ماند. من هم یک پارتی پیدا کردم و بلیطی خریدم. بین راه از راننده پرسیدم چرا وضعیت اتوبوس ها اینطوری شده. گفت قیمت بلیط خیلی پائین است برای ما صرف نمی کند. گفتم آره درست است. نسبت به چیزهای دیگر قیمت بلیط خیلی بالا نرفته. راننده ادامه داد ما سعی می کنیم حتما در تعاونی ترمینال ها باشیم تا لاستیک به قیمت دولتی گیر بیاوریم. از ۴ حلقه لاستیک دو حلقه را می فروشیم و دو حلقه را استفاده می کنیم. هر از چندگاهی هم یک راهی مسافر می بریم. چند تا صندلی را برای خودمون می گذاریم تا بین راه مسافر سوار کنیم و خرج و دخلمون را جور کنیم (مسافر بین راه حداقل ۵ برابر نرخ رسمی باید بپردازد). راننده سپس آه بلندی کشید و گفت: می بینی داداش چی به روزمون آوردند. هیچ کاری با نظم و قانون خودش پیش نمیره و همه مجبورند یک جوری کلک بزنند. این بی شرف ها خودشان دزدند، همه مردم را هم به اینکار مجبور میکنند که برای خودشان شریک جرم پیدا کنند و هر وقت لازم شد همین مردم بدبخت را به جرم دزدی و اختیاد و قیر به دار بکشند."

"میدهای که نسبت به رفسنجانی در میان بخش هایی از مردم پراکنده شده بود، روز به روز بیشتر رنگ می باز د. اکنون همه جا با ابراز ناراضی مردم که پر خاشجویه است، مواجه می شویم. ولی ابراز ناراضی در همین حد باقی می ماند. همه به نوعی و با شدتی از وضعیت موجود ناراضند اما تلاش معاش حتی برای ابراز اعتراض نیز فرصتی باقی نگذاشته است. همه دنبال کار و زندگی هستند، کلاه یکدیگر را بر میدارند و از این جیب به آن جیب می کنند ... گرانی بیداد می کند. قیمت احتیاجات تنها سیر نزولی نیافته بلکه سیر صعودی نیز یافته است. بطور مثال کره ۲۵۰ گرمی ۱۷۵ تومان (قیمت ثبت شده پشت آن ۸۳ ریال) همین کره ۱۷۵ تومانی هم بسختی گیر می آید ... سیب زمینی که به کیلویی ۶۵ تومان رسیده بود ظاهراً به کیلویی ۳۰ تا ۳۵ تومان تنزل کرد ولی سیب زمینی که از طرف دولت به این قیمت و در بسته های ۵ کیلویی توزیع می شود، معمولاً یک تا یک و نیم کیلو خراب دارد. یعنی عملاً کیلویی ۵۰ تومان. بعد از اعلام رسمی قیمت دلار صد تومان، اندکی قیمت سیب زمینی پائین آمد."

قیمت خانه و کرایه خانه

از یک گزارش:

"کرایه خانه در تهران سرسام آور است. مثلاً یک خانه با دو اتاق (۲) شکل که توالش هم بین طبقه اول و دوم مشترک است. در محله نظام آباد با سیصد هزار تومان پیش، ماهیانه سه هزار تومان است. میتوان بر همین مثال کرایه خانه در محلات مرکزی و شمالی شهر را قیاس کرد. قیمت خانه روزانه و ساعته بالا می رود. در گیشا خانه ای با حدود ۸۰ متر زیر بنا دو میلیون تا دو و نیم میلیون خرید و فروش می شود."

باند محتشمی

از یک گزارش:

"شایع بود که ده تن طلایی که در مرزهای جنوب شرقی از یک کامیون به دست آمد توسط باند محتشمی به خارج قاچاق می شده است. آنها توسط باند رفسنجانی گیر افتاده اند. بعدا کل حاکمیت منکر طلا بودن طلاها شد و مدعی گردید که در کامیون مزبور آلیاژ مغرغ جاسازی شده بود."

شورای نگهبان باردیگر "قانون کار" را سلاخی کرد

بعد از سیر جنجالی تدوین و تصویب "قانون کار" که همری به درازی خود حکومت دارد و بعد از وده و وعیدهای بسیار و تعویض وزیران مختلف و تدوین "قانون کار" های آخوندی و شرح پسندانه، آخر الامر "قانون کار" برگشته از "شورای نگهبان" در جلسه دوم مهرماه ۱۳۶۸ مجلس بادر نظر گرفتن اصلاحات اعلام شده از سوی "شورای نگهبان" و در شکل دلخواه و باب میل آن به تصویب رسید و ظاهراً اعلام شد این قانون از اول سال جاری به اجرا در خواهد آمد.

اما هنوز مرکب امضاء نمایندگان برپای سند تصویب شده تحت عنوان "قانون کار" خشک نشده بود که بناگاه در نقطه‌ای پیش از دستور مجلس در دهم و هفدهم آبان ماه سال جاری روشن شد که آقایان فقهای عضو "شورای نگهبان" با قانون نوشته شده توسط کارگزاران حکومت و تصویب شده مطابق خواست و میل خودشان باز هم مخالفت ورزیده و آنرا رد کرده اند.

قاضی زاده هاشمی نماینده فریمان، سرخس و احمدآباد در همین ارتباط در جلسه هفتی مجلس در روز ۱۷ آبان اعلام داشت: "... باید برای کارگران کشورمان قانون کار چاره ساز و مشکل گشا داشته باشیم." نامبرده از وزیر کار و امور اجتماعی خواست تا "نسبت به تصویب نهایی و اجرای قانون کار پیگیری نماید." وی در سخنان خود افزود: "... متأسفانه کارگران همچنان در انتظار تصویب نهایی قانون کار هستند. شورای نگهبان در قانون کار مصوب اخیر مجلس شورای اسلامی حدود ۳۳ اشکال قانون اساسی اعلام کرده که ۲۶ مورد آن اشکال بار مالی است. صواب آن است که اشکالات بار مالی به مجمع تشخیص مصلحت ارجاع و ضرورتاً تصویب شود.

همچنین ۳۲ اشکال شرعی گرفته شده به قسمی اصلاح گردد که در نهایت برای کارگران کشورمان قانون کار چاره ساز و مشکل گشا داشته باشیم..." مطابق بنابرین هم

اظهارات "قاضی زاده" و حسین مظفری نژاد شورای نگهبان ۶۵ مورد اشکالات شرعی، قانونی و مالی بر "قانون" تازه تصویب شده ایراد گرفته است.

لازم به یادآوری است دور کشمکشها بر سر تصویب قانون جدید میان مجلس و شورای نگهبان از سال ۶۴ آغاز گردیده و تا به امروز ادامه داشته است. در آن زمان بمنظور حل اختلافات میان مجلسیان و شورای نگهبان "قانون کار" جهت اصلاح و تصویب به "مجمع تشخیص مصلحت" رژیم ارسال شد که این "مجمع" هم ضمن حک و اصلاحاتی در این قانون و تأمین نقطه نظرات نمایندگان شورای نگهبان آنرا مجدداً برای تصویب به مجلس فرستاد.

بنظر میرسد کلاف سردرگم تدوین و تصویب "قانون کار" رژیم باتوجه به سابق تاریخی این مسئله همچنان کور باقی بماند و هودت جدید این قانون به "مجمع تشخیص مصلحت" رژیم این بار نیز نتواند "مشکل گشا" باشد و حکومت همچنان در تدوین و تصویب قانون کار عاجز و درمانده باقی بماند. اما کدام شرایط است که هملاً مانع از تدوین و تصویب قانون کار توسط کارگزاران رژیم شده است. برای بیان این موضوع کافی

است به واقعیتی که در سخنان نماینده مجلس حکومت وجود دارد اشاره کرد. قاضی زاده در سخنرانی یادشده اعلام می کند: "امروز نظام باید با قاطعیت کامل با بی بندوباری اقتصادی بخش خصوصی برخورد نماید و امروز وقت آن است که برای این مشکل دست به دست شدن بخش اعظم ثروت جامعه در بین معدود ثروتمندان کشور چاره ای اندیشید و به اختلاف درآمد فاحش موجود که سنگ بزرگ یک جامعه اسلامی است پایان داد."

صرف نظر از ادعا در مبارزه با بی بندوباری اقتصادی بخش خصوصی که مرتباً از زبان سخنگویان حکومت گفته می شود باید گفت همانطور که این نماینده اشاره دارد فعال مایشائی بودن بخش خصوصی یعنی سرمایه داران و تاجر در کشور و وجود اختلافات شدید طبقاتی در جامعه که تبلورش در جمع شدن بخش اعظم ثروت جامعه در بین هدهای معدود از افراد جامعه و فقر و مسکنت در میان بخش اعظم اهالی کشور می باشد مانع اصلی و سنگ بزرگ در به تصویب نرسیدن حتی همین "قانون کار" سر و دم بریده مصوب حکومتیان محسوب می شود.

دور جدیدی از کشمکش ها و بند و بست ها

بقیه از صفحه اول

هیات دولت ... در اختیار رئیس مجلس قرار گیرد."

لازم به یادآوریست که قانون مربوط به حدود وظایف و مسئولیتهای رئیس جمهوری در تاریخ ۱۳۶۵/۸/۲۲ یعنی در زمان حیات خمینی از تصویب گذشته بود.

مضمون قانونی که روز ۲۲ آبان امسال (درست سه سال پس از تصویب قانون فوق) به تصویب رسید روشن است و مطبوعات رژیم هم چیزی غیر از این به آن نام ندارند: "واگذاری بخشی از اختیارات رئیس جمهوری به رئیس مجلس"، یعنی تفویض بخشی از قدرت رنسنجانی "میانرو" به کروی ظاهر افراطی.

چنانکه گفته شد در پرتو این واقعه رنگ و بوی انتصاب احمد خمینی هم با صراحت بیشتری آشکار شد. جناح افراطی حکومت در تداوم یورشی، که پس از رانده شدن از بسیاری مواضع کلیدی در حاکمیت، آغاز کرد و در جریان

دهمین سالگرد اشغال سفارت آمریکا کوشید به آن شدت دهد، اینک دو گام به پیش برداشته است: از قدرت رنسنجانی کمی کاسته است و با اشغال یک صدلی حساس بر قدرت خود کمی افزوده است. اما آیا این پیشروی ادامه خواهد یافت؟

خامنه‌ای روز چهارشنبه هفته گذشته (اول آذر) در سخنانی برای جمعی از "امت حزب الله" کوشید به این پیشروی خاتمه دهد. او در حالیکه جناح مقابل را نشانه گرفته بود گفت: "کسانی که اقدامات

وبرنامه ریزی های متین دولت را به زیر سوال می برند به تبلیغات آمریکایی و استکباری کمک می کنند." او سپس آن ها را فراخواند "که در سهم جریانات کشور انصاف و هوشمندی به خرج داده و از هم سویی با دشمن پرهیز کنند..."

اینک یورش رقیب با یورش متقابلی که قاعده تا باید در آن "در سهم جریانات کشور انصاف و هوشمندی به خرج داده" شده باشد، مواجه شده است.

ایران در رابطه با مسئولیتهای رئیس شورای اسلامی "مورد رسیدگی قرار گرفت و از تصویب نهایی مجلس گذشت. با تصویب این طرح بخشی از اختیارات رئیس جمهوری به رئیس مجلس واگذار شد، به این ترتیب که مسئولیت بررسی نهایی قوانین مجلس که بر اساس قانون مربوط به حدود وظایف و مسئولیتهای رئیس جمهوری، در اختیار او بود به رئیس مجلس شورای اسلامی واگذار شد.

علاوه بر این طبق طرح تصویب شده "هیات دولت و هریک از وزرا و ... باید تصمیمات خود را که در حد مصوبات و اختیارات هیات دولت می باشد، به صورت کتبی به ریاست مجلس شورای اسلامی اعلام کند و عندالزوم، بنابه درخواست رئیس مجلس، باید متن مذاکرات

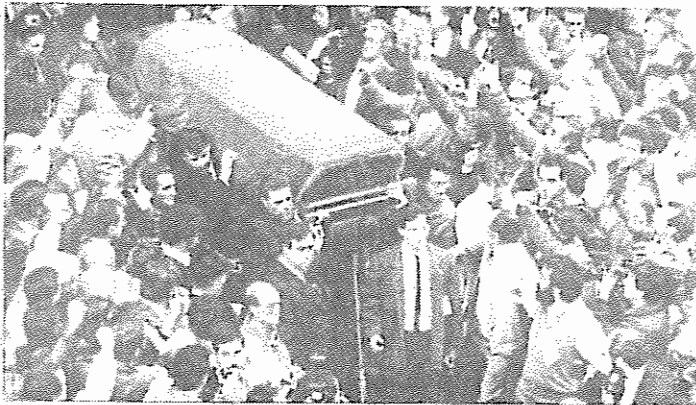
افشای رژیم ضد بشری ...

بقیه از صفحه اول

جمهوری اسلامی را، به کمیسیون ویژه بررسی نقض حقوق بشر مجمع عمومی سازمان ملل تسلیم کرد.

وی طی نطقی در کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل خواهان ابراز نگرانی جامعه بین المللی و تحت نظارت قرار دادن نقض حقوق بشر در ایران شد. گالیندوپل در سخنرانی خود ابراز داشت که رژیم ایران ۱۴۵ مورد از لیست افراد اعدام شده را قیر واقعی دانسته است که این به معنای تأیید ضمنی اعدام بقیه افراد موجود در لیست مزبور است. قبلاً اعلام شده بود که فهرست اسامی ۱۷۵۰ تن از زندانیان سیاسی اعدام شده در موج کشتار اخیر در اختیار مراجع ذیربط سازمان ملل قرار گرفته است.

همچنین قرار است ۱۲ کشور عضو جامعه اروپا مشترکاً قطعنامه‌ای در رابطه با نقض حقوق بشر در ایران را به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه دهند.



“گل رنج” فروفسرد

اسپانیا حضور داشت اقلب در دوردست ترین نقاط جهان همراه و همزم خلق های ستمدیده و رنج کشیده زیست از این رو به حق لقب “گل رنج” شخصیت فدائیکار و مردمیش را زبیده و سزاوار بود. روز جمعه ۱۶ نوامبر صدها هزار تن از مردم اسپانیا به همراه نمایندگان از احزاب مترقی و کمونیست جهان در تشیع جنازه این سبیل مبارزه و مقاومت در مادرید شرکت جستند و در مقابل شخصیت والای وی سر تعظیم فرود آوردند. از سوی سازمان ها، نماینده کمیته مرکزی سازمان در اروپا در مراسم تشییع پیکر دولوریس ایباروری شرکت داشت. بدینسان با قهرمان تاریخ مبارزات سده اخیر مردم اسپانیا وداع گفته شد.

خبرگزاری ها جمعیت حضور یافته برای وداع با گل رنج مردم اسپانیا را بیش از چهارصد هزار نفر ذکر کردند.

دولوریس برای مبارزین، زنان پیشرو و محافل روشنفکری ایران نیز چهره شناخته شده ای بود. ما در یکی از شماره های گذشته نشریه اکثریت شهر یک مادر ایرانی را که خطاب به دولوریس ایباروری سروده شده بود و پاسخ وی را درج کردیم. لاپاسیونا را با شرایط ایران و وضعیت زنان ایرانی آشنایی نزدیکی داشت.

مبارزه با دشمنان به ریاست پارلمان اسپانیا برگزیده شد.

وی در خطابه های رادیویی خود، زنان اسپانیا را فرامی خواند که حتی با کار آشپزخانه و روشن داغ به مقابله با دشمن برخیزند و فریاد برمی آورند که فاشیست ها موفق به تسخیر اسپانیا نخواهند شد.

اما مبارزه فدائیکارانه وی و یارانش به همراه خلق اسپانیا نتوانست فاشیسم را به عقب براند. بعد از سقوط مادرید ایباروری به همراه یارانش به “بارسلونا” هزیمت کرد و از آنجا از طریق پاریس به اتحاد شوروی رفت و پایه پای مردم شوروی علیه فاشیسم هیتلری جنگید. در جنگ مقاومت استالینگراد پسر ۲۲ ساله وی، روبین ایباروری جان خود را از دست داد.

دولوریس ایباروری در سال ۱۹۴۲ به مقام دبیر کلی حزب کمونیست اسپانیا برگزیده شد. و تا سال ۱۹۶۵ در این سمت به مبارزه خود ادامه داد. وی پس از ۳۸ سال دوری از وطن دو سال پس از مرگ فرانکو در سال ۱۹۷۷ به میهن خود بازگشت و در سال ۱۹۷۸ به صدارت حزب کمونیست انتخاب گردید.

“گل رنج” علاوه بر آنکه همیشه در میدان های رزم خلق

بسر می برد و بدین طریق مسئولیت آنها بر دوش مادر بود، هر چند که خود وی نیز چندین بار در این مدت به بند کشیده شد. دو تن از فرزندانش جلوی چشم مادر به دلیل بیماری و گرسنگی جان سپردند.

در سال ۱۹۳۵ ایباروری به عضویت کمیته مرکزی حزب کمونیست انتخاب شد و در سال ۱۹۳۲ به هیئت سیاسی راه یافت. بعد از جنبش معدنچیان “۳۳ ستر” و سرکوب آن توسط دولت در سال ۱۹۳۵ مجبور به ترک دیار و فرار به مسکو شد. پس از آنکه جبهه خلق جمهوری خواهان، سوسیالیست ها و کمونیست ها در انتخابات ۱۹۳۶ موفق گردید، وی به میهن بازگشت و به نمایندگی پارلمان اسپانیا انتخاب شد.

بعد از کودتای دارودسته فرانکو و طی جنگ داخلی دولوریس به خاطر محبوبیتش در میان مردم مورد تهاجم و کینه شدید نیروهای فاناتیک و فاشیستی قرار گرفته بود. در این زمان شعار وی مبتنی بر آنکه “ایستادن و مردن بهتر از دست به سینه زندگی کردن است” مانند سایر گفتار او شعار مردم اسپانیا و زبانزد آزادیخواهان دنیا شده بود. فریاد او در جبهه ها که نمی توانند از ما گذر کنند (نو، پاساران) هنوز هم در همه گردهمایی های نیروهای مترقی کشورهای اسپانیایی زبان طنین انداز است.

در این ایام دولوریس به خاطر محبوبیت روز افزون و پایداری در

سحرگاه یازدهم نوامبر مردم اسپانیا و جنبش کمونیستی دنیایی از محبوب ترین و نامدارترین رهبران خود را از دست داد.

دولوریس ایباروری (لاپاسیونا) صدر حزب کمونیست اسپانیا در پی یک بیماری ریوی در بیمارستان مادرید چشم از جهان فرو بست. زندگی ۹۳ ساله لاپاسیونا را (گل رنج) بیانگر تاریخ مبارزاتی کمونیست های اسپانیا و طبقه کارگر آن کشور علیه استبداد و فاشیسم و برای دموکراسی و عدالت اجتماعی است.

دولوریس هشتمین فرزند از یازده فرزند یک خانواده کارگری بود که در سال ۱۸۹۵ در ایالت باسک اسپانیا بدنیا آمد. آرزوی وی برای آموزگار شدن به علت عدم امکانات برای همیشه در عالم خیال ماند و به واقعیت نپیوست و لاجرم به عنوان خدمتکار خانه و ماهی فروش شروع به کار کرد. قبل از آنکه ازدواج کند عضو حزب سوسیالیست بود و با ظهور اولین هسته های کمونیستی در سال ۱۹۲۵ در حوزد کارگران معدن شمال اسپانیا به همراه شوهرش به آنها پیوست.

در این سال ها در روزنامه معدنچیان شمال با امضای “لاپاسیونا ریا” (گل رنج) اقدام به انتشار مقالات و نوشته های آگاهگرانه خود میکرد. “گل رنج” مادر غرورند بود. شوهرش همواره به خاطر مبارزه علیه استبداد و استثمار در زندان ها



رفرم اقتصادی را به پیش رانیم

جلسه مشاوره اقتصاددانان برجسته کشور در کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی با سخنان میخائیل گارباجف آغاز شد. میخائیل گارباجف: - رفقا، شاید متوجه شده‌اید که مادر اینجا کسانی را جمع کرده‌ایم که شاید تمام طیف هلاقی، نقطه نظرات، و مکاتب را نمایندگی می‌کنند. آخر ما به تبادل نظر احتیاج داریم، چرا که احساس می‌کنیم در رابطه با همه‌ترین مسائلی که روی آن بحث می‌کنیم و باید در موردشان تصمیم بگیریم، درک گام‌آرورشی نداریم. آن هم تصمیماتی بسیار پردامنه، تصمیماتی که راستای آتی انکشاف جامعه ما را رقم خواهند زد.

این تاروشنی از جمله هنگامی نمودار شد که پیش‌نویس برنامه دولت برای سال ۱۹۹۰ را به بحث گذاشتیم و در صدد برآمدیم تا مجموعه تدابیر مربوط به سالم سازی امور مالی را معین سازیم. در اجلاس شورایی عالی و هنگام بررسی لوایح، بخصوص لوایح مربوط به مالکیت و خودگردانی اقتصادی مطلقه‌ای نیز با مشکل روبرو شدیم. همین‌طور هم در رابطه با مجموعه طرح‌هایی که به مسائل درجه اول برمی‌گردد. یعنی مسائلی که برای به پیش راندن رفرم اقتصادی، باید آنها را مورد بررسی قرار داد و در موردشان تصمیم گرفت.

در مجموع، ما و شما امروز به یکسان هلاقمندیم تا وضعیت اقتصادی و اجتماعی موجود کشور را حتی‌الامکان همه جانبه‌تر و همین‌تر مورد ارزیابی قرار دهیم. از این بابت به نظر من، ما یکی هستیم و تنها به اصطلاح نقب‌هایمان ممکن است فرق داشته باشد. اما اختلاف نظر بر سر راه‌های برون رفت از این وضعیت، بسیار است. البته می‌توان گفت که: خوب، جستجو و کاوش و حل مسائل جدید طبعاً با اظهار نظرهای مختلف هم همراه است و اختلاف نظر هم از همین جاست. و اگر مسئله تنها در همین است، پس وضعیت را هم می‌بایست هادی و طبیعی دانست. اما به نظر می‌رسد که اختلافات تنها به این

بر نمی‌گردند که مادر حال جستجو هستیم، بلکه منشأ همیق‌تری دارند. ریشه این اختلافات ظاهراً در درک متفاوت از مسایل اصلی، یعنی آن عام‌ترین مسایلی است که بدون سردرآوردن از آنها قدم از قدم نمی‌توان برداشت. از جمله و قبل از همه نیز این مساله که چه درکی داریم از آن جامعه‌ای که می‌خواهیم از طریق نوسازی به آن برسیم. کلید همه مسایل، به نظر من، در همین جاست.

خواهش می‌کنم که تفاوت میان نظریه و نقشه دقیق یا به اصطلاح برنامه تحولات انقلابی را مورد توجه ویژه قرار دهید. من در ملاقات با رهبران رسانه‌های گروهی نیز روی همین نکته تأکید کردم. نظریه، همان مقصود اصلی ماست و آن هم عبارت از این است که می‌خواهیم با رفع بیگانگی انسان از مالکیت، از وسایل تولید، از روند سیاسی، از قدرت و از فرهنگ، به سوسیالیسم جان تازه‌ای ببخشیم و ظرفیت نظام سوسیالیستی را آشکار سازیم. به نظر من، طرح این گونه مساله در بنیاد خود و اقتصاد مارکسیستی است - انسان در مرکز قرار دارد. چگونه می‌خواهیم آن را محقق سازیم؟ نظریه ما جواب این سوال را نیز در بر دارد: از طریق دموکراتیزاسیون و هلیت، از طریق اصلاح مناسبات مالکیت و ساختار سیاسی جامعه، از طریق سالم سازی فضای اخلاقی و سالم سازی کل حیات معنوی جامعه‌مان. در یک کلام، با نگرش به انسان به مثابه هدف، نه به عنوان وسیله.

این است آن نظریه‌ای که در این سال‌ها الهام بخش ما بوده است و بر پایه همین نظریه هم هست که در پی تدوین راه‌های مشخص عبور از دوره بفرنج گذار هستیم و این دوره نیز ظاهراً مراحل مختلف زیادی دارد.

بدیهی است، از نظریه تا نایل به اهداف تعیین شده یعنی تا دستیابی به کیفیت نوین جامعه، فاصله مفهیمی وجود دارد. این همان راه درازی است که ما باید طی کنیم. فیر هلمی و حتی مضحک خواهد بود اگر دل خود و

دیگران را با فلان توهمات و راه حل‌های فوری خوش کنیم.

اما مسایل دیگری نیز وجود دارند که تصمیماتی بلادرنگ طلب می‌کنند. قبل از همه، وضعیت موجود در بازار مصرف و امور مالی. این همان چیزی است که باید به سرعت حل کرد تا مردم ثمرات واقعی نوسازی را احساس نمایند.

به بیان دیگر، ما مساله را این طور طرح نمی‌کنیم که: حال که نظریه وجود دارد، پس تنها این می‌ماند که بنشینیم و مشاهده کنیم. خیر، باید به موقع و به طور همیق به تجزیه و تحلیل بنشینیم و معلومات بیاندوزیم تا روند نوسازی سوسیالیستی جامعه را گسترش و تکامل بخشیم. تاریخ به مادر می‌دهد که: نباید زندگی را "در تخت پروکروست" شمایلی دگماتیستی خواباند. راه این نیست. ما با ذهنی‌گرایی و چپ‌روی مخالفیم. شما دانشمندان خوب می‌دانید که این همه در گذشته به کجا انجامید. ما به آمیزه‌ای مطمئن از سیاست، هلم و پراتیک نیاز داریم. و به نظر من، چنین تلفیقی دیگر دارد صورت می‌گیرد. و شاید برای اولین بار در تاریخ سوسیالیسم، شاید این همان اتحادی باشد که در هر حال و با همه مشکلات، ما را از گرفتاری رها نیند و پاسخ صحیح مسایلی را که در پیش روی ما قرار گرفته‌اند به ما نشان خواهد داد. ما باید نوسازی را بر پایه نظریه پذیرفته شده‌مان و با احتساب واقعیت‌های جامعه، به پیش ببریم.

ما می‌خواهیم پاسخ مسایل‌مان را قبل از همه در زندگی واقعی پیدا کنیم. در همین راستا هم هست که همیشه با زحماتکشان، با روشنفکران (و نه تنها دانشمندان، بلکه با هنرمندان نیز) و در مجموع با کل جامعه، مشورت می‌کنیم. کاری که آغاز کرده‌ایم بسیار و بسیار دشوار است و از همه ما کوشش بیشتر طلب می‌کند. با پیروی از درک و برخورد لینی - چیزی که در گذشته چندان به آن پابند نبودیم - ما همه چیز را در نظر می‌گیریم: هم تپش‌های عصر حاضر، هم مسایل گلوبال، و هم تجربه سیستم‌های دیگر، اما راه خود را می‌رویم و از واقعیت‌های خود آغاز می‌کنیم.

مگر می‌توان ۷۲ سالگی را که، با همه اشتباهات و ناهنجاری‌هایی که به آن آگاه هستیم، پشت

سرگذاشته‌ایم و راه تاریخی هضمی را که ظرف این مدت پیموده‌ایم، به دور افکنیم؟ این امر در مورد اقتصاد و در مورد روانشناسی مردم نیز که در طول این سال‌ها شکل گرفته است، صدق می‌کند. این امر کل محیط اجتماعی که دهها سال است در آن همل می‌کنیم و تمام هاداتی را که به زندگی مردم وارد شده است، در بر می‌گیرد.

همه اینها جامعه واقعی امروزمان را تشکیل می‌دهد. و هر هلم جدی که یک ایده یا شمایی را تدوین کرده باشد، بگیریم بهترین و انسانی‌ترین ایده‌ها هم باشد، نمیتواند آن را به جامعه تحمیل کند بدون آنکه واقعیت‌های این جامعه را به حساب آورد. در فیر این صورت فکر می‌کنم که این دیگر نه هلم بلکه باز هم اتوپی و باز هم شبه هلم است. این قبیل پیشنهادات هم شبه انقلابی دست کم فیر جدی و فیر سازنده هستند و نه در سیاست و نه در پراتیک نمی‌توان به آنها اتکا کرد.

بار دیگر تأکید می‌کنم: از سکوی واقعیت‌های جامعه‌مان است که ما باید به هدف‌مان نگاه کنیم. اخیراً در مقاله‌ای چنین خواندم: به سال‌های ۲۰-۱۹۱۷ باز گردیم و از اول شروع کنیم. تازه، مقصود مقاله از اول آن چیزی نیست که به لنین و بلشویک‌ها برمی‌گردد، بلکه فوریه ۱۹۱۷ مورد نظر است. ما را به چنین به اصطلاح آفازی فرا می‌خوانند. این چه نوع پیشروی خواهد بود اگر قرار است که به عقب باز گردیم و از "صفر" شروع کنیم. زمانی که صحبت از آن می‌شود که رشد و تکامل کشور را باید به مسیر سوسیال - دموکراتیک کشاند نیز در ماهیت امر مساله همین است.

و بالاخره چنین نقطه نظری هم مطرح است که می‌گوید: تقریباً ۵ سال است که در شرایط نوسازی کار می‌کنیم و مشاهده می‌کنیم که با نوسازی، مکانیسم‌ها و روش‌هایی برای تحقق جوهر نظام ما به جامعه تحصیل می‌شود که برانزده آن نیست. و سپس چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که: باید نه در فکر الفاء، بلکه در فکر تکمیل و تکامل سیستم اداری - فرماندهی بود.

و مهمتر از همه این که، تمام اینها به جامعه سرازیر می‌شود و مقرر مردم را گاهی به دوران می‌اندازد. در این رابطه هر هبارت شبه انقلابی می‌تواند نقش

تحولات پیرامنه وزرف در چکسلواکی

بقیه از صفحه آخر

مردمی که در این روز در پایتخت تجمع کردند، همراه با طوفان کف زدن و تشویق‌های رعد آسای اجتماع کنندگان سخن گفت. وی گفت: «آلمان سوسیالیسم با سیمای انسانی، در روابط زندگی یک نسل نوین زنده است» دوپچک که با حضور خود مردم را دچار هیجان کرده بود و زیر باران فریادهای «دوپچک، دوپچک» و «زنده باد دوپچک» سخن می‌گفت، تاکید کرد «ما باید متحد شویم تا کشور خود را به سطح هالی‌تری ارتقا دهیم». وی از نیروهای انتظامی خواست که در کنار خلق بمانند و تظاهر کنندگان را فراخواند از سمتگیری‌های افراطی پرهیز کنند. برکناری پاکش از سمت دبیر کلی حزب مانع همده «روند دگرگونسازی» در راه استقرار سوسیالیسم دموکراتیک را از میان بر خواهد داشت.

تحولات چکسلواکی با همان شتاب احباب آوری که رخ داده‌ای سایر کشورهای سوسیالیستی، پیش از آن انجام شدند، جریان دارد. تحولات اخیر جمهوری دموکراتیک آلمان محرک مردم چکسلواکی بود. نتایج نشست کمیته مرکزی در روز جمعه امیدهای زیادی را برانگیخته است.

مسئله نباید نادیده گرفت که علیرغم اینکه اکثریت مردم این کشور نوسازی سوسیالیسم را مطالبه می‌کنند، نیروهای مخالف سوسیالیسم هم مجدداً دست به کار شده‌اند. اما صرف‌نظر از تمامی ضرورت‌های حیاتی و قائم به ذات انجام دگرگونسازی رادیکال و بنیادی، حتی بخاطر تضعیف زمینه‌های رشد این نیروها نیز اقدام سریع و هادانه رهبری حزب کمونیست چکسلواکی ضرور است. گریز ناپذیری این راه در اتحاد شوروی و جمهوری دموکراتیک آلمان نیز تجربه شده است. تاکنون حزب کمونیست چکسلواکی در زمینه درک ضرورت دگرگونسازی و پاسخگویی به نیاز زمان از خود تاخیر و کندی بسیار نشان داده است. اینکه اکنون این حزب به مشکلات انباشته شده چه پاسخی بدهد، نقش بزرگی در فرایند تحولات این کشور و دیگر جوامع سوسیالیستی ایفا خواهد کرد.

دانشجویی که ۵۰ سال قبل به وسیله اشغالگران آلمان نازی به قتل رسیده بودند برگزار شده بود، با دخالت نیروهای انتظامی به خشونت نرئید و تعداد کثیری از تظاهر کنندگان مجروح و دستگیر شدند. الکساندر دوپچک نیز که در صف راه پیمایان حضور داشت جزو بازداشت شدگان بود.

در روز دوشنبه ابعاد نمایشات خیابانی گسترش یافت و ۱۰۰۰۰۰ نفر را در بر گرفت. خواسته‌های اصلی تظاهر کنندگان عبارت بود از: انتخابات آزاد، پلورالیسم و اصلاحات رادیکال.

نماینده‌گان سازمانهای سیاسی اپوزیسیون و شخصیت‌های منفرد سیاسی یک هیئت ۱۲ نفره جهت برنامه ریزی مشترک حرکات آتی تشکیل دادند. این هیئت پیش شرط مذاکره با محافل حاکم را استعفای همه آن اعضای کمیته مرکزی حزب که در سرکوب «بهار پراگ» در سال ۱۹۶۸ همکاری داشته‌اند اعلام کرد. کسانی که در این ارتباط از آنان نام برده می‌شد عبارت بودند از: میلوس پاکش، دبیر کل، یان فویتی، ایدئولوگ حزب، کارل هوفمان و الویس ایندرا (اعضای به اصطلاح گروه چهار نفره) و نیز گوستاو هوزاک، رئیس جمهور.

در روز سه‌شنبه ۲۰۰۰۰۰ نفر در اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها شرکت کردند. لایسلوا آدامک، نخست وزیر، آمادگی خود را برای مذاکره با هیئت متشکل از نمایندگان اپوزیسیون اعلام کرد. تظاهرات در روز چهارشنبه پنج‌شنبه نیز ادامه یافت.

بالاخره در روز جمعه در پیامد تحولاتی که در طی هفته گذشته روز به روز بر هم و وسعتش افزوده شده بود، اختلافات در درون رهبری حزب نیز که از مدت‌ها پیش پیرامون نگرش به روند دگرگونسازی و انجام اصلاحات اجتماعی وجود داشت شعله‌ور گشت. ساهاتی قبل از گشایش نشست فوق‌العاده کمیته مرکزی، کمیته حزبی پایتخت طی قطعنامه‌ای خواهان تغییرات اساسی در ترکیب اعضای رهبری شد. الکساندر دوپچک، که اکنون به سمت مطالبات تحول‌جویانه تبدیل شده است، در برابر ۳۰۰۰۰۰ نفر

تا خود را با شرایط جدید دمساز نماید. سرمایه‌داری با لگدمال کردن مقدرات مردم و بابه خیابان ریختن ده‌ها میلیون بیکار، خود را نوسازی کرد. اما ما آن پلنوم را به بعد موکول کردیم. ایده‌های آن را دفن کردیم و روند تحولات معقولی را که در همه کشورهای سوسیالیستی ضرورت یافته بوده تاخیر انداختیم. در نتیجه حداقل ۱۵ سال را از دست دادیم.

اگر ما به هر حال به سرنوشت خلق خود، سرنوشت سوسیالیسم و نقش کشور خود فکر می‌کنیم، پس باید با اطمینان بیشتر در راه نوین گام برداریم. اما باید ایتقان همیق داشته باشیم که در اصلی‌ترین مساله صحیح عمل می‌کنیم. البته ما را از دشواری‌ها گریزی نیست - راه حل ایده‌آل وجود ندارد. جامعه بفرنج ما لابلاب از مساله است و به سختی بتوان انتظار داشت که همه کارها به راحتی روی فلتنک بیفتد. فکر می‌کنم چنین پیشنهادهایی برای کسانی که با علم و سیاست سروکار دارند، کارساز نیست. و اگر چه امروز جراید شاید فکر همه را تسخیر کرده‌اند - هم سیاستمداران، هم دانشمندان و هم کارگران - اما مساله اصلی امروز به هیچ وجه پوپولیسم نیست و آنچه اهمیت دارد عبارت است از صلاحیت علمی و برخورد سازنده در تحلیل تمامی شئون حیات اجتماعی.

باری، باید مسایل کلیدی را برای خود روشن سازیم و مهمترین مساله هم آن که به سوی کدام جامعه در حرکتیم؟ مبارزه ما به خاطر فدراسیون است یا به خاطر چیزی دیگر؟ نقش جدید حزب کمونیست اتحاد شوروی کدام است؟ و همین طور نیز در مورد تمامی اجزاء این سوالات. اگر مولفه‌های راهنمای صحیحی نداشته باشیم، جز بحث‌های بی‌پایان دستاوردی نخواهیم داشت. تنها وقت‌مان را تلف خواهیم کرد و آسیب را هم نوسازی انقلابی خواهد خود. رفقای عزیز، می‌خواستم خواهش کنم که بی‌پرده صحبت کنید. آخر، گفتگوی ما بر سر مسایلی است که مقدرات کشور به آن وابسته است. سرانجام می‌توان به هر کاری دست زد، اما باید دانست که چه می‌خواهیم، و چگونه باید به طرف مرادمان حرکت کنیم.

یک چاشنی را بازی کند و جامعه را به راست یا به چپ بکشد، آنهم با همه پی‌آمدهای ناشی از آن. اما آنچه که به مراتب دشوارتر است همان حرکت پیگیرانه و انجام گام به گام این وظیفه خطیر است که عبارت است از جذب واقعی اشکال نوین حیات اجتماعی و خرد کردن قالب‌های کهنه تفکر در آگاهی‌مان. امروز که به مرحله تحولات واقعی انقلابی و ژرفی رسیده‌ایم که به بنیادی‌ترین ارکان جامعه ما بر می‌گردند - هم خود زیر بنا، هم روینا و هم هر صدمه‌مندی - بر ما ست که همه این مسایل را روشن سازیم.

این روزها خیلی زیاد رهبری را سرزنش می‌کنند که قاطع نیست و تدابیری نیم بند اتخاذ می‌کند و یا با چنین تدابیری همچونایی می‌کند. اما از چه لحاظ قاطع نیست؟ ببینیم میزان سنجش کدام است. آخر در همین حال دیگران متهم می‌کنند که همه روندها تسریع می‌شوند و مردم فرصت پیدا نمی‌کنند آنها را هضم نمایند و از این رو همه چیز مصنوعاً به مردم تحمیل می‌شود و گویا خود دانشمندان نیز نمی‌توانند سردر بیاورند و اغلب توصیه‌هایشان ضد و نقیض است. به این ترتیب یک آدم معمولی چطور می‌تواند از این اختلاف نظر چیزی دستگیرش بشود؟ از این رو، رفقا، زمان آن است که مواضع و برخوردهای مختلف را خوب بسنجیم، سبک سنگین کنیم، مقایسه و مطابقت نهائیم، این امر در حال حاضر برای ما اهمیت حیاتی دارد.

فکر می‌کنم انتخاب ما در مجموع صحیح بوده و همین راه را باید دنبال کنیم. نه تنها بازگشت به عقب، بلکه توقف در راه هم امکان‌پذیر نیست. بدون آن هم تا کنون چندین سال را از دست داده‌ایم. صریح صحبت کنیم. در این سالن رفتایی حضور دارند که در همان اوایل سال‌های ۷۰ در تدارک پلنوم کمیته مرکزی بر سر مسایل انقلاب علمی - فنی مشارکت داشتند. جوهر ایده‌های این پلنوم برمی‌گشت به دمساز کردن نظام سوسیالیستی با انقلاب علمی - فنی. اما همه آنچه که تهیه شده بود به بایگانی فرستاده شد. این همه به آستانه بحران جهانی نفت بر می‌گردد، یعنی زمانی که سرمایه‌داری همیق‌ترین بازسازی ساختاری خود را آغاز کرد و کوشید

مجارستان پس از کنگره

حیات سیاسی کشور
مجارستان طوفانی، چند جانبه و پر
تغییر و تحول است. تغییر نام
جمهوری خلق مجارستان به
جمهوری مجارستان، قطع
فعالیت ارگانها و موسسات حزبی،
کاندیداتوری اپوزیسیون برای
انتخابات ریاست جمهوری و
دگرگونی‌های دیگری که سابقاً نقطه
در چند دهه امکان تحقق داشت،
اکنون در عرض چند روز انجام
یافته است. در میان جناح چپ
جامعه مجارستان نیز بسیاری از
رخدادهای اجهاب انگیز بوقوع
پیوست. پس از برگزاری کنگره
بسیاری بر این تصور بودند که
آخرین کنگره حزب سوسیالیست
کارگری مجارستان
(ح.س.ک.م.) که تصمیم به
انحلال این حزب گرفت و کنگره
موسس حزب سوسیالیست
مجارستان (ح.س.م.) که تشکیل
این حزب را اعلام کرد، تصویر
همومی موقعیت سیاسی مجموعه
نیروهای چپ را به حد مکتفی روشن
کرده است. اما واقعیت، خود را
طور دیگری نشان داد. در مصاحبه
مجله عصر جدید با یانوش برژ،
سیاستمدار معروف و دبیر
سابق کمیته مرکزی
ح.س.ک.م. وی نسبت به اوضاع
فعلی مجارستان اظهار نظر
می‌کند:

* یانوش برژ: همه اعضای سابق
"ح.س.ک.م." باید تا اول نوامبر
تصمیم بگیرند که آیا می‌خواهند به
"ح.س.م." وارد شوند یا نه.
بنظر من این یک رفراendum در حزب
است. یک همه‌پرسی از اعضای
حزب در مورد اینکه با انحلال حزب
موافقت یا نه. اگر بنا به اظهار
نظرهای شفاهی و کتبی تفاوت
کنیم، بسیاری از اعضای حزب سابق
دچار تردید و اشتباه فکریند و
مایل به پیوستن به "ح.س.م."
نیستند. در میان این عده
اصلاح طلبان حزبی نیز قرار دارند،
یعنی نمایندگان آن بخش از حزب
سابق که آشکارترین سم‌نگیری
چپ در جنبش کارگری را تشکیل
میدهد. حتی آنها نیز مایل نیستند با
حزب جدید سرو کار زیادی داشته
باشند.

مشکل بتوان پیش‌گویی کرد اما
می‌توان حدس زد در آینده نزدیک
اکثر اعضای "ح.س.ک.م."
عضویت خود در این حزب را به
مثابه حزب خود حفظ کنند. البته

"ح.س.ک.م." امروزه
ارگان‌های رهبری ندارد اما اگر
توده اعضا و سازمان‌های پایه این
حزب حفظ شوند قادر خواهند شد با
یکدیگر پیوند یافته و بالاخره یک
ساختار تشکیلاتی سراسری بنا
کنند.

عصر جدید: پایه‌ای که این
"ح.س.ک.م." جدید، که قرار
است از پایین تشکیل شود،
میتواند روی آن حساب کند تا چه
حد گسترده است؟

* - مشکل بتوان به این سوال پاسخ
گفت. برخی از اعضای حزب کلاً از
سوسیالیسم قطع امید کرده‌اند و
منتظر انحلال حزب بودند تا
کارت‌های عضویت خود را پس
دهند. برخی‌ها تلاش‌ها و شعارهای
چپ را جذاب می‌دانند. برخی‌های
دیگر، عمدتاً کادرهای جوانی که از
سم‌نگیری دقیق سیاسی برخوردار
نیستند خود را به "ح.س.م." منتقل
می‌کنند تا موقعیت خود را حفظ
نمایند.

تلاش‌هایی نیز جهت تشکیل
احزاب کمونیست، مارکسیست و
لنینیست جدید صورت خواهد
گرفت. خود من شخصا چنین
تلاش‌هایی را مضر میدانم زیرا
کسانی که نمی‌خواهند باورهای
چپ خود را در چارچوب ح.س.م.
متحقق سازند باید ح.س.ک.م. را
حفظ کنند. این حزب هنوز قادر
است بر حمایت بخش وسیعی از
مردم حساب کند.

عصر جدید: اما آیا خواست حفظ
"ح.س.ک.م." با خواست حفظ
اوضاع قدیم یکسان نیست؟ بحث
بر سر چیست، بر سر حفظ وضعیت
موجود یا بر سر نو سازی؟

* - روشن است مدل
سوسیالیسمی که ما فکر می‌کردیم
متحقق کرده‌ایم خود را ناتوان و به
بن بست رسیده به اثبات رساند. بنا
براین به نظر من ما باید به
آموزش‌های مارکس و انگلس
پیرامون سوسیالیسم علمی
بازگردیم؛ نزدلین نیز یک ردیف
احکامی وجود دارند که باید به آنها
پایبند بود. از سوی دیگر جنبش
کارگری مجارستان نه فقط
سنت‌های کمونیستی و سوسیال-

دمکراتیک بلکه سنت‌های صرفاً
اخلاقی نیز دارد: شجاعت در عمل،
جمع‌گرایی، احساس مسئولیت در
قبال دیگران. هرچند که این
مفاهیم در دوران اخیر بطور
اسفباری بی‌محتوی شده بودند.
سنت‌های مزبور باید مجدداً به
زندگی فراخوانده شوند. رفرم
برای ما اهمیت حیاتی دارد.
برای نجات سیستم از بحران باید
راه طی شده را اساساً مورد
مطالعه قرار داد. افرادی که هنوز
اسیر تصورات کهنه سانترالیسم
دمکراتیک، سنت‌های بلشویکی و
دیکتاتوری پرولتاریا هستند با
زندگی بیگانه‌اند.

عصر جدید: به این ترتیب:
"ح.س.م."، "ح.س.ک.م." و
تشکیل احتمالی سازمان‌های
اولترایچپ گوناگون، شاید سوالم
ساده‌انگارانه باشد، اما اینها
ضروری است؟

* - من با اطمینان پاسخ به اینکه
مجارستان ضرورتاً به یک حزب
چپ سوسیالیستی نوین نیاز دارد،
در کنگره "ح.س.ک.م." شرکت
کردم. به هنگام تدارک کنگره
برای من بی‌تفاوت به نظر
می‌رسید که این حزب چه نامی بر
خود خواهد گذارد. اما در جریان
کار برابرم روشن شد که به اصطلاح
اصلاح طلبان رادیکال (در
مجارستان طرفداران دیدگاه‌های
سوسیال-دمکراتیک چنین نام
دارند - عصر جدید) مسئله اسم را
یک پدیده بنیادی قلمداد
می‌کردند. به علاوه آنها با نتایج
کنگره زیاد موافق نیستند، به نظر
آنها اساسنامه "ح.س.م." به
اندازه کافی آزادی عمل را تضمین
نمی‌کند زیرا خود طرفدار اشکال
فعالیتی هستند که تعهد کمتری
ایجاب کند و بیشتر مایلند یک کلوب
و نه یک حزب دائر کنند. آنها
مدعی‌اند که (این اساسنامه) کمتر
از دمکراسی لیبرال و بیش از حد از
سوسیالیسم اخذ شده است. ولی
البته برایشان رهبری "ح.س.م."
بسیار مطلوب است. زیرا در این
رهبری رادیکال‌ترین جناح این
اصلاح طلبان حضور دارد.

با این حال اعتقاد دارم چنین
حزب چپ سوسیالیستی نوین که
ضرورت آن را بیان کردم باید در
یک دولت انتخابی با سیستم چند
حزبی توفیق یابد. نکته دیگر آنکه
حزب سوسیال دمکرات که در
جریان تکوین است پس از تشکیل
حزب سوسیالیست مجارستان در
موقعیت بغرنجی قرار می‌گیرد.
مردم خواهند پرسید تفاوت میان
"ح.س.م." با حزب سوسیال
دمکرات چیست؟ به این ترتیب
این دو حزب احتمالاً با یکدیگر
رقابت خواهند کرد. بنا براین فکر
می‌کنم لازم است در جنبش
کارگری و کمونیستی مجارستان
حزبی با گرایش‌های نمایان چپ نیز
که خود را بیشتر وقف منافع
کارگران و دهقانان هسو تعاونی
کنند داشته باشیم.

عصر جدید: آیا سازمان‌ها و
احزاب چپ با توجه به این تعدد باز
هم شانس در انتخابات
قریب‌الوقوع دارند؟

* - سازمان‌های چپ باید تا هنگام
انتخابات دست‌کم یک برنامه
حدادلی مشترک تدوین کنند. برای
من قابل تصور نیست که رهبری
کنونی کشور در شرایط یک
درگیری دائم با سندیکاها به سوی
انتخابات روان شود. همکاری با
جنبش دهقانان تعاونی ضرورت
جدی دارد. در فیر این صورت باید
بر کدام نیرو در روستا تکیه کرد؟
تجاس با کارفرمایان هم لازم است.
فقط از این راه می‌تواند یک حرکت
سیاسی چپ پدید آید که برای
کارگران و دهقانان تعاونی برنامه
قابل پذیرش داشته باشد و بتواند در
پارلمان بر روی تعداد قابل توجهی
از کرسی‌ها حساب کند.

عصر جدید: فکر میکنید
پلاتفرم چپ به طور مشخص چه
درصدی از آراء را به خود اختصاص
دهد؟

* - تکرار میکنم، بسیار مشکل
بتوان پیش‌گویی کرد شاید ۳۰ الی
۴۰ درصد.

عصر جدید: بنا براین فکر میکنید
چپ اکثریت خود را در پارلمان از
دست خواهد داد؟

* - وظیفه اصلی ما در این هفته
است که با اتکا بر اتحاد همه
نیروهای چپ پست ریاست
جمهوری را بدست آوریم. در
انتخابات پارلمان باید ثابت شود که
جریان چپ نیرویی است که بدون
آن این کشور نمی‌تواند اداره
شود.

سیمای ناخوش آیند يك بوروکراتيسم پوسیده

رئيس جمهور لبنان ترور شد



بقیه از صفحه آخر

می نویسد: "کسانی که پزیدنت معاود را کشتند، وحدت لبنان و یگانگی مردم این کشور را به هلاکت رسانده اند. تصمیم بر آست هر که را متحد میکند به قتل رسانند و هر که را انشقاق ایجاد می کند، حمایت نمایند".

شورای امنیت سازمان ملل قتل معاود را "یک عمل تروریستی بزدانه" و "ضربه به روند آشتی ملی" نامید. این شورا مجدداً از توافق های حاصله در طایف که معاود بر پایه آن انتخاب شده بود پشتیبانی کرد. خاورپرز دو کوئیار مردم لبنان را فراخواند بیش از این به قهر پناه نجویند.

سوریه و الجزایر در اولین واکنش های خود، میشل عون را مسئول قتل معاود دانستند.

خبرگزاری ها بعنوان عاملین ترور رئیس جمهور لبنان، در وهله اول نیروهایی را که باروند آشتی ملی سر ناسازگاری داشتند مورد بررسی قرار می دهند که در این میان از رهبر ارتش مارونی، ژنرال عون، گروه حزب الله که به وسیله جمهوری اسلامی ایران هدایت می شود و رژیم عراق که با سوریه شدیداً خصومت می ورزد، سخن به میان می آید اما در این میان ژنرال میشل بیش از همه در مضان اتهام طرح ریزی و اجرای نقشه این ترور جنایتکارانه قرار دارد.

رنه معاود، رئیس جمهور لبنان، ۱۷ روز پس از انتخاب به این مقام طی یک سو قصد در روز چهارشنبه گذشته در بخش غربی بیروت به قتل رسید.

بر اثر انفجار یک بمب ۲۵۰ کیلوگی در مسیر عبور معاود، رئیس جمهور لبنان در دم به قتل رسید.

ساعاتی پس از قتل رنه معاود یک مهاجرت توده ای از بیروت آغاز شد. هزاران نفر از مسلمانان و مسیحیان از ترس شعله ور گشتن مجدد آتش جنگ داخلی به لبنان جنوبی و یا دره بقاع پناه بردند.

در مناطق تحت کنترل سوریه، گروه های اسلامی به اعتصاب عمومی فراخواندند. رنه معاود در روز شنبه گذشته در شمال لبنان به خاک سپرده شد.

در بیروت زنگ های کلیساها به صدا درآمدند و پرچم ها نیمه افراشته بودند.

مطبوعات لبنان ترور رئیس جمهور لبنان را یک ضد حمله به تلاش هایی که اخیراً جهت پایان دادن به جنگ ۱۴ ساله انجام یافته بود، ارزیابی کردند. "کوبا مقدر شده است که لبنان در کوچه های تاریک مرگ و ویرانی باقی بماند، بلافاصله پس از شقای یک زخم، زخم های دیگری سرباز می کنند." روزنامه لبنانی "الدیار"

پسر چائوشسکو، کم برای عضویت در هیات سیاسی و ولایتعهدی "معمار حال و آینده" در نظر گرفته شده است، پدر خود را به عنوان "هزیزترین فرزند خلق" برای انتخاب مجدد در سمت دبیر کلی حزب کمونیست رومانی پیشنهاد کرد و سیمای چندش آور کنگره مزبور را برای کمونیست های جهان و انسان های آزاداندیش تکمیل کرد.

وضعیت موجود در رهبری حزب کمونیست رومانی قبل از آنکه در چارچوب تداوم عملکرد دگماتیسم و در چارچوب نظری، مورد ارزیابی قرار گیرد، در چارچوب تلاش برای حفظ قدرت موقعیت "کلان چائوشسکو" و اطرافیان مورد اعتماد او قابل بررسی است. غالب اعضای رهبری حزب کمونیست رومانی و شخص چائوشسکو با پنهان شدن در پشت ایده های انسانی سوسیالیسم، با رواج کیش شخصیت، با پیشبرد سرکوب در سطح جامعه و حزب از قدرت و موقعیت ویژه خود دفاع می کنند. آنچه که در برخی دیگر احزاب کمونیست در اوج حیات استالین و استالینیسم به سال ها و دهه های گذشته مربوط می شود اینک در حزب کمونیست رومانی با ویژگی های عصر حاضر به تکرار مضحک یک تراژدی می ماند. که به همین دلیل نیز چندان دیرپا نخواهد بود.

اجرا نشده ذکری به میان نیامد. اگر سخنان چائوشسکو را ملاک بگیریم جامعه سوسیالیستی در رومانی اکنون تحقق یافته است: "پانزدهمین کنگره، کنگره پیروزی بزرگ سوسیالیسم و پیشروی به سوی کمونیسم است." در کنگره مزبور بازنگری به تاریخ ۲۵۰۰ ساله این کشور بشدت ناسیونالیستی رنگ آمیزی شده بود. و سخنران در بخش سیاست خارجی صحبت های خود در خواست ابطال همه قرار دادهای آلمان نازی را، که از آن قرارداد مولوتوف - ریبین تروپ مورد نظر بود، مطرح کرد. صاحب نظران در طرح این خواسته چشم داشت به مناطقی از ملداوی را مشاهده می کنند.

هر کس منتظر آن بود که مباحثات نمایندگان، با ملاحظات انتقادی به واقعیت های این کشور توأم باشد ناامید شد. طی چند روز یکی پس از دیگری سرودهای ستایش "از رهبر شجاع و قهرمان" سر داده شد. اکثر سخنرانان منجمله النا همسر چائوشسکو (عضو هیات سیاسی و مسئول کادرهای حزب) تقریباً کلمه به کلمه آنچه را چائوشسکو در گزارش خود گفته بود تکرار می کردند و بلااستثنا در آغاز یا پایان سخنان خود بر انتخاب مجدد "قهرمان و متفکر بزرگ" تاکید می کردند. و بالاخره اینکه نیکو،

احزاب یونان برای

تشکیل یک دولت گذار

به توافق رسیدند



گزنئون سولوتاس

یافت.

این دومین دولت موقتی است که در سال جاری در یونان تشکیل می شود.

در نخستین انتخابات که در ۱۸ ژوئن برگزار شد هیچ کدام از احزاب به اکثریت مطلق آرا دست نیافتند. سپس یک دولت ۳ ماهه متشکل از محافظه کارها و نیروهای چپ تا روز ۵ نوامبر که انتخابات مجدد برگزار شد موقتاً کشور را اداره کرد.

یونان تا هنگام انتخابات جدید در آوریل ۱۹۹۰ به وسیله یک دولت گذار با مشارکت محافظه کارها، سوسیالیست ها و کمونیست ها اداره خواهد شد. رهبران سه جریان فوق پس از مذاکراتی طولانی، خبر آن را اعلام کردند. نخست وزیر دولت جدید، که ترکیب آن هنوز مشخص نیست گزنئون سولوتاس، رئیس سابق بانک مرکزی، خواهد بود. هیچ یک از رهبران احزاب سه گانه در کابینه "وحدت ملی" حضور نخواهند

تحولات پردامنه و ژرف در چکسلواکی



۱۹ نوامبر برگزار شد. در این میتینگ که از سال ۱۹۶۹ تا آن مقطع بزرگترین تجمع توده‌ای در این کشور بوده است، ۵۰۰۰۰ نفر شرکت کرده و خواستار استعفای رهبری حزب شدند. دو روز قبل از آن تظاهرات دانشجویان که به مناسبت بزرگداشت خاطره رهبران جنبش بقیه در صفحه ۹

هفته گذشته کشور چکسلواکی تحولات پردامنه و ژرفی را شاهد بود. از آغاز هفته روز به روز بر وسعت و دامنه تظاهرات و نمایشات خیابانی افزوده شد و در پایان هفته با تغییر چهره رهبری حزب، آغاز چرخشی نوین را بشارت داد. نقطه آغاز تحولات میتینگ بود که با همکاری سازمان جوانان کمونیست در روز یکشنبه

سیمای ناخوش آیند یک بوروکراتیسم پوسیده

اتحاد جماهیر شوروی و جمهوری دمکراتیک آلمان به منازعه پرداخت. او فرایند اصلاحات در این کشورها را مطلقاً غیر سوسیالیستی نامید، بدون اینکه در طول ۵ ساعت سخنرانی خود حتی یک بار از کلماتی چون رفرم، دگرگونسازی، تحولات، پروسترویکا استفاده کند. اینکه حتی در پایتخت نیز مغازه‌ها خالی‌اند برای "برجسته‌ترین شخصیت جهان امروز" ارزش بیان کردن نداشت از اینکه آزادی و رفاه و عدالت از مردم رومانی سلب و دریغ شده و یا مد نظر نبوده است و از اینکه برنامه پنج‌ساله‌ای که رو به پایان است در همه حیطه‌های اصلی خود

هفته گذشته پانزدهمین کنگره حزب کمونیست رومانی برگزار شد. ۳۳۰۰ نماینده در سالن عظیم کنگره تجمع کردند. چهره‌ای آشنا از پشت تریبون صحبت می‌کرد: نیکلای چائوشسکو، دبیر کل حزب کمونیست رومانی و رئیس‌جمهور دولت بالکان. او در زیر تابش نور افکن‌ها از کتاب قطوری با ۱۲۵ صفحه نطق خود را می‌خواند. این کار به دشواری انجام می‌گرفت زیرا پس از اتمام هر پاراگراف ۳۳۰۰ نفر به پا برخاسته و بسان کسانی که از کارگردانی نامرئی دستور می‌گیرند، به سخنران عظیم‌الشان درود می‌فرستادند و با کف زدن‌های ریتمیک او را تشویق می‌کردند. "هریزترین و وفادارترین فرزند خلق" بطور بارزی با

بقیه در صفحه ۱۱

دشمنی با خورشید

آنها بعنوان ابزاری برای پیشبرد مقاصد ضد هنری خود استفاده می‌کردند نیز شامل میشود. افرادی به زعم خود می‌خواستند هنر را مکتبی کرده و برای آن با قالبی آخوندپسندانه در جمهوری اسلامی جایی باز کنند. این اشخاص نیز علیرغم همراهی ۱۰ ساله خود با رژیم اکنون گرفتار روحیه یاس و سرخوردگی شده‌اند. این روحیه در آثار آنان نیز بازتاب یافته است. بهمین خاطر نیز مورد خشم آخوندها قرار گرفته‌اند. شاید در همین رابطه است که خامنه‌ای در دیدار فوق خطاب به حاضران می‌گوید که "به مجوز هنرمند بودن نمی‌توان حال تذبذب و دودلی را برای خود روا داشت و انحرافات را و یا احساسات فلفلی را که در بعضی از هنرمندان وجود دارد بحساب هنر گذاشت".

خفاشان حاکم نه فقط دشمن خورشید، دشمن هنر و هنرمند مردمی‌اند، بلکه شب‌تاب‌هایی را نیز که تاب تحمل تاریکی مطلق رژیم را نیاورده و در چارچوبی محدود و در حد وسع خود به نورافشانی رو آورده‌اند، دشمن می‌دارند.

"دشمنی با هنر همانند دشمنی با خورشید است." این جمله بر زبان هلی خامنه‌ای "ولی فقیه" رژیم هنر ستیز جمهوری اسلامی که با "مسئولان و هنرمندان" سازمان تبلیغات اسلامی سخن میگفت جاری شده است. شنیدن چنین مطلبی از زبان خامنه‌ای به عنوان یکی از سرکردگان رژیم ضد فرهنگ و هنر جمهوری اسلامی بلافاصله کارنامه این رژیم در هر صحنه هنر را در ذهن مجسم می‌کند. کارنامه‌ای که سطر سطر آن دشمنی لجام گسیخته و خونین رژیم آخوندی با هنر و هنرمندان را بیانگر است. موسیقی، نقاشی، مجسمه‌سازی، تئاتر، شعر و ادبیات...

همه هر صحنه‌های هنر ضربات جانکاهی را از حاکمیت نکبت‌بار جمهوری اسلامی و اندیشه تبه و ارتجاعی راهنمای آن متحمل شده‌اند. هنرمندان کشور یا در زندان و بیرون آن به بند کشیده شده‌اند و یا آنان را با تحمیل رنج جلالی وطن، از سرچشمه نیاز هنر خویش یعنی مردم و میهن محروم کرده‌اند. اما خشم و کین رژیم فقها به هنر و هنرمندان مردمی حتی افراد و ارگان‌هایی را که از

برای اشتراک نشریات "کار" و "اکثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراک، تمبر پستی و یا رسید بانکی پرداخت بهای اشتراک به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراک	نشریه "کار"
۱۳ مارک	۱۱ مارک	☐ شش ماهه	☐ یک ساله
۲۴	۲۱		

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراک	نشریه "اکثریت"
۳۰ مارک	۲۷ مارک	☐ سه ماهه	☐ شش ماهه
۵۸	۵۲	☐ یک ساله	
۱۱۵	۱۰۲		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 284
MONDAY, 27 NOV 89

آدرس:
Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:
AUSTRIA . WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک‌هایی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید